فصلنامه علمی
مطالعات حقوقی فضای مجازی
سال اول | شماره چهارم| زمستان ۱۴۰۱
وبگاه مجله: https://cyberlaw.maragheh.iau.ir
ISSN:2821-126X

Jurisprudential Rules Governing the Interaction of the Islamic System with Other Muslim Nations in Cyberspace

Fatemeh fallah tafti

Assistant Professor jurisprudence and Islamic law Allame Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding Author)
f.fallah@atu.ac.ir

DOI: 10.30495/CYBERLAW.2023.699120

Keywords:
Jurisprudential Rules,
Islamic System,
Interaction of Islamic System,
Muslim Nations,
Cyberspace

Abstract

Owing to the development of technology and being in the age of explosion of communication, the interaction of people and communities is increasing in the virtual platforms. This has created important developments in different structures of society. These developments, along with the growth and development of human beings and their societies, have given rise to some threats to real persons and legal entities. It can even be stated that the spread of the effects of this threat has gone beyond the geographical and political borders and has penetrated into the national security area of countries. Therefore, laying the groundwork for creating a suitable platform for the development of the virtual space seems necessary in view of the human need for this phenomenon. The Jurisprudence (*Fiqh*) offers such a suitable and efficient platform in that in has a comprehensive program based on principles and rules that are general and comprehensive. Indeed, in addition to specifying the rules to be abided by the individuals in various issues, it clarifies the overall tasks of the society. Among these major tasks is the issue of regulating international relations and the interaction of the Islamic States with other societies. For this purpose, the present article deals with the jurisprudential rules in the field of interaction of the Islamic system and Islamic States with other Muslim nations in a descriptive-analytical way. The most important rules that can be proposed in this context are: 1. Denial of Domination Rule 2. The Principle of Unilateral Irrevocability 3. The Principle of Peaceful Co-Existence 4. The Principle of Invitation 5. The Principle of Prohibition of Cooperation on Unlawful 6. The Principle of Expediency 7. The Principle of Enjoining Good and Forbidding Evil 8. The Principle of Justice 9. The Rule of Necessity of Protecting the Islamic System 10. The Rule Principle of Protection of the Secrets of Muslims 11. Forbidding Harming a Believer 12. The Rule of Veneration of Rituals.

This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license: (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

فصلنامه علمی
مطالعات حقوقی فضای مجازی
سال اول | شماره چهارم | زمستان ۱۴۰۱

قواعد فقهی حاکم بر تعامل نظام اسلامی با ملت‌های مسلمان دیگر در فضای مجازی

فاطمه فلاح تفتی*

استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران
f.fallah@atu.ac.ir

تاریخ دریافت : ۱۴ آذر ۱۴۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۵ دی ۱۴۰۱

چکیده

باتوجه‌به گسترش تکنولوژی و قرارگرفتن در عصر انفجار ارتباطات، تعامل افراد و جوامع در بستر مجازی روبه افزایش است و تحولات مهمی در ساختارهای مختلف جامعه ایجاد کرده است. این تحولات همراه با رشد و تکامل بشر و نیز جوامع، تهدیداتی را متوجه شخصیت‌های حقیقی و حقوقی کرده است، حتی می‌توان گفت گسترش تأثیرات این تهدید از مرزهای جغرافیایی و سیاسی فراتر رفته و در حوزه امنیت ملی کشورها وارد شده است. ازاین‌رو زمینه‌سازی برای ایجاد بستری مناسب برای توسعه فضای مجازی باتوجه‌به نیاز بشر به این موضوع امری ضروری به نظر می‌رسد. این بستر مناسب و کارآمد را دانش فقه پیش روی انسان قرار می‌دهد زیرا فقه، برنامه جامعی مبتنی بر اصول و قواعد دارد که کلی و فراگیر بوده و علاوه بر این‌که احکام اشخاص را در مسائل مختلف مشخص می‌کند، تکالیف کلان جامعه را هم روشن می‌نماید. از جمله این تکالیف کلان، بحث تنظیم روابط بین‌الملل و تعامل دولت اسلامی با دیگر جوامع است. بدین منظور این مقاله با شیوه توصیفی – تحلیلی به قواعد فقهی در حیطه تعامل نظام اسلامی با ملت‌های مسلمان دیگر پرداخته است. مهم‌ترین قواعدی که در این زمینه قابل طرح است عبارت‌اند از: الف) قاعده نفی سبیل ب) اصل لزوم ج) اصل همزیستی مسالمت‌آمیز د) اصل دعوت ه) قاعده حرمه الاعانه علی الاثم و) اصل مصلحت ز) اصل امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر ح) اصل عدالت ط) قاعده وجوب حفظ نظام ی) قاعده وجوب التحفُّظ علی سرِّ المسلمین ک) حرمت ایذاء مؤمن ل) قاعده وجوب تعظیم شعایر الهی.

کلید واژگان: قواعد فقه، نظام اسلامی تعامل نظام اسلامی، ملت‌های مسلمان، فضای مجازی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه

مقدمه

قواعد فقهی گزاره‌هایی هستند که کبرای استدلالات فقهی قرار گرفته و منشأ استنباط احکام جزئی می‌شوند و مجتهد و مقلد هر دو می‌توانند از قواعد فقهیه بر خلاف قواعد اصولی بهره بگیرند و در تطبیق بر مصادیق از آن استفاده کنند. ازآنجایی‌که هر رفتار مکلف چه به‌صورت فردی و چه در صحنه اجتماعی دارای حکمی است، جایگاه قواعد فقهی در تطبیق بر جزئیات آشکارتر می‌شود. در عصر اطلاعات که روابط پیچیده‌تر شده است، احکام فردی و اجتماعی افراد نیز به تبع آن شکل می‌گیرد. باید توجه داشت که یکی از نقش آفرینان اصلی فضای مجازی حکومت‌ها هستند که می‌توانند با اعمال قدرت در این فضا، قدرت عمل را بدست بگیرند. دشمنان اسلام در این رقابت نابرابر همواره سعی داشته‌اند که توسعه غربی را به‌عنوان تنها راه پیشرفت و هدف آن را تنها غایت مطلوب بشریت به انسان‌ها معرفی کرده و از این مدعای خود دفاع علمی و فرهنگی خصوصاً در فضای سایبر داشته باشند. ایجاد شبهات دینی، تهاجم فرهنگی، تفرقه بین مسلمانان و... مهم‌ترین ابزارهای مبارزاتی غرب با جهان اسلام در این عرصه است. باید گفتانسان، زمانی می‌تواند بین دیگران و همچنین بین خود و دیگران، رابطه حسنه برقرار کند که بتواند در درون خود، پیوندی نا گسستنی بین اندیشه‌ها، اعمال و عقائد و اخلاقش برقرار کند؛ مثلا یک انسان دوچهره و دوشخصیتی که هر روز به رنگی در می‌آید و نتوانسته است از خود یک شخصیت واحد و متّحد ارائه کند، نمیتواند دیگران را متّحد کند. همچنین، مکتبی که داعیه تنظیم روابط بین‌الملل را دارد، در درون خود باید انسجام داشته باشد. در این راستا قرآن کریم، هم مکتب را منسجم می‌داند(نساء، ۸۲) و هم مکتبیان را. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ۸)پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله وقتی از مکه به مدینه آمد و خواست حکومت تشکیل بدهد، قبل از اینکه مسجدی بسازد که پایگاه مذهبی است، پیروان خود را به وحدت فراخواند و فرمود :«تآخوا فی الله أخوین أخوین»(هاشمی‌خویی، ۱۴۰۰، ۱۵، ۱۴۹) در این میان حکومت اسلامی با بهره گیری از قواعد فقهی که برگرفته از اسلام ناب است و مورد پذیرش ملت‌های مسلمان دیگر هم است، می‌تواند ابتکار عمل را بدست گرفته و مانع دخالت دشمنان اسلام در این عرصه گسترده، پرمخاطره و تأثیرگذار باشد. نکته مهم در به‌کارگیری این قواعد این است که اولاً احکام فقهی مستخرج از قواعد فقهی به هیچ وجه نباید دربردارنده احتیاط باشد؛ زیرا بحث مناسبات حکومت اسلامی با ملت‌های مسلمان چه در فضای مجازی چه در فضای حقیقی با هویت جمعی مسلمانان مرتبط است و قراردادن آنان در احتیاط، مستلزم عسر و حرج است که بر خلاف هدف ایجاد قدرت واحده در میان آنهاست بر عکس نگاه فردی و شخصی به مسائل که این لازمه را ندارد. ثانیاً به دلیل همین هویت جمعی و اینکه می‌بایست برآیند این قواعد در جوامع اسلامی اجرایی شود، باید احکام مستخرج از قواعد الزام‌آور اعم از وجوب و حرمت یا اباحه باشد و استحباب و کراهت به هیچ وجه نمی‌تواند هدف مطلوب از تعامل با ملت‌ها را در فضای مجازی تأمین کند.

هرچند درباره قواعد مطرح‌شده در این نوشتار، مقالات و کتب متعدد وجود دارد، اما در مورد موضوع حاضر مقاله ای که قواعد مرتبط را احصا کند، یافت نشد. براین‌اساس این مقاله که به شیوه توصیفی – تحلیلی نگاشته شده، پس از مفهوم‌شناسی واژگان کلیدی، قواعدی که ارتباط مستقیم یا نزدیک با مسئله موردبحث را دارند، معرفی و تحلیل می نماید.

۱- مفهوم‌شناسی

۱-۱- قواعد فقه

قاعده از ریشه قعد به معنای اساس و ریشه و چیزی است که بر آن تکیه می‌شود(حسینی، ۱۳۸۵؛۳۸۵) و«قاعده رأس و اصل است و قواعد، به معنای اساس می‌باشد» (ابن منظور،۱۹۹۴؛۱، ۱۴۲) و نیزبه معنای «بنیان و پایه برای چیزی است که در بالای آن قرار دارد.» (طریحی،۱۳۷۵؛۱۲۹)معنای اصطلاحی قاعده، رابطه تنگاتنگی با معنای لغوی آن دارد: «قاعده امری است کلی که در هنگام شناسایی احکام جزئیات از آن، بر تمامی جزئیات خود منطبق باشد.» (تهانوی، ۱۹۹۶؛۱۱۷۶-۱۱۷۷)

در تعریف قواعد فقهی میان فقیهان اتفاق نظری وجود ندارد، و هر یک از تعاریف به یکی از جنبه‌های تمایز قاعده فقهی با سایر قواعد اشاره دارد اما می‌توان این‌گونه جمع‌بندی کرد که قاعده فقهی بنابر آن چه از کندوکاو کلام اصحاب بزرگوار استفاده می‌گردد، مشتمل بر حکم فقهی عام بوده و مختص به باب معینی از فقه نمی‌باشد بلکه یا شامل بابی از ابواب فقه است و یا بسیاری از مسائل فقهی که در کتب متعدد فقهی موردبحث قرار گرفته‌اند را شامل می‌شود؛ (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴؛۱۴) به عبارت دقیق‌تر، حکم شرعی

کلی است که قابل انطباق بر موارد موضوع آن حکم است و عموم مکلفین می‌توانند در یک یا چند باب مختلف از فقه، در مقام عمل از آن، بهره‌مند شوند.

۲-۱- نظام اسلامی

نظام اسلامی، حکومت دینی و حکومت اسلامی اصطلاحاتی هستند با یک معنا که به‌جای یکدیگر به کار برده می‌شوند. در مقام نظریه پردازی و ارائه تعریف، می‌توان تعاریف متعددی را از این واژه عرضه کرد؛ یعنی می‌توان مدل‌های متفاوتی از ترکیب دین و حکومت عرضه داشت؛ از جمله: حکومت دینی حکومتی است که در آن مؤمنان و معتقدان به یک دین خاص، صاحب اقتدار سیاسی باشند؛ حکومت دینی، حکومتی است که اقتدار سیاسی جامعه به دست طبقه خاصی به نام «رجال دین» باشد؛ حکومت دینی، دولتی است که دفاع و تبلیغ و ترویج مذهب و دین خاصی را برعهده گرفته است و یا حکومت دینی، حکومتی است که مرجعیت همه‌جانبه دین خاصی را در عرصه سیاست و اداره جامعه پذیرفته است. (واعظی،۱۳۸۰؛۳۰) از میان تفاسیر ارائه شده، تعریف چهارم تناسب کامل‌تری با ماهیت حکومت دینی دارد؛ زیرا برخی از تفاسیر مذکور، تنها به جنبه‌ای از جنبه‌های یک دولت دینی اشاره کرده‌اند و باید گفت اجرای تعالیم دینی و انطباق شئون مختلف اجتماعی و حکومتی با آموزه‌ها و مضامین دینی به حکومت و سیاست رنگ دینی می‌دهد. قید «اسلامیت» نه قید تأکیدی که قید تقییدی و تخصیصی است یعنی پیشنهاد می‌کند که این حکومت با اصول و مقررات اسلامی اداره شود و در مدار اصول اسلامی حرکت کند. (مطهری،۱۳۷۴؛۶۳) بنابراین نظام اسلامی، نظامی است که دغدغه انطباق با تعالیم اسلام را دارد. مراد از تعالیم اسلام، آن مضامین دینی و آموزه‌هایی است که از منابع معتبر دینی استخراج و استنباط شده است و تفاوت نمی‌کند که آن تعلیم دینی از وحی و روایات معتبر به‌دست‌آمده باشد، یا مستند به عقل و ادلّه معتبر عقلی باشد.

به‌عبارتی‌دیگر «نظامی است ملهم و منبعث از وحی الهی که در تمام زمینه‌ها از قانون الهی مدد می‌گیرد، و هیچ‌یک از زمامداران و سرپرستان امور جامعه را حق استبداد رأی نیست. تمام برنامه‌هایی که در زمینه زمامداری جامعه و شئون و لوازم آن، جهت رفع نیازهای مردم به اجرا درمی‌آید، باید براساس قوانین الهی باشد. این اصل کلّی، حتّی در مورد اطاعت از زمامداران و متصدّیان امر حکومت نیز جاری و ساری است.» (امام خمینی،۱۳۷۹؛۲۱)

۳-۱-فضای مجازی

واژه فضای مجازی که معادل فارسی زیبای آن رایاسپهر است، متشکل از دو واژه فضا و مجازی است. فضا به یک محوطه بسیط، آزاد، خالی و در دسترس گویند. مجازی یا سایبری نیز به رایانه‌ها و شبکه‌های رایانه‌ای اطلاق می‌شود. (اسماعیلی و نصراللهی،۱۳۹۵؛۵۸) ترکیب فضای مجازی ما را به این معنا رهنمون میکند که فضایی آزاد، خالی و در دسترس است که توسط شبکه رایانه‌ای ایجاد می‌شود. محیطی که در آن برقراری ارتباطات، رؤیت و انتقال اطلاعات در ساختارها و قالب‌هایی به‌عنوان خدمات به انسان‌ها، طراحی و کنترل می‌شود وشامل کلیه خدمات، ابزارهای سخت و نرم، محتواها، ارتباطات، قالب‌ها و... دنیای اطلاعات و ارتباطات می‌شود. (کهوند،۱۳۹۵؛۲۹) و ازآنجایی‌که تأثیرات فضای مجازی در زندگی انسان‌ها و تعاملات میان ایشان، کاملا واقعی است و هرچند «اسمش فضای مجازی است درحالی‌که واقعاً فضای حقیقی است» (بیانات مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۹۶/۶/۶) زیرا فضایی است که دانش می‌آورد، بینش می‌آورد، فکر را عوض می‌کند، اندیشه می‌دهد، مغز را کنترل می‌کند (جوادی‌آملی،۱۳۹۴/۱۲/۹) حال با تأکید بر واقعی بودن فضای مجازی، این‌گونه تعریف می‌شود: «فضای مجازی، محیط الکترونیکی واقعی است که ارتباطات انسانی به شیوه‌ای سریع و واقعی، فراتر از مرزهای جغرافیایی و با ابزار خاص خود، در آن زنده و مستقیم روی می‌دهد.» (حسین‌نژاد،۱۳۹۸؛۵۵) این فضا دارای مؤلفه‌هایی است که مهم‌ترین آن وجود ارتباطات اجتماعی در تمامی سطوح آن از میان‌فردی و میان‌گروهی گرفته تا جمعی و بین‌المللی را دربرمی‌گیرد. درواقع این فضا، فضای عمومی است که در آن اشخاص با یکدیگر ملاقات کرده، اطلاعات خود را به اشتراک می گذارند، ونیزکارکردهایی مانند حمایت اجتماعی از یکدیگر، تجارت، خلق رسانه هنرمندانه، بازی کردن (game)، مباحثات سیاسی، مذهبی و علمی و.... دارد. (Bell،۲۰۰۴، ۵۰-۵۱ به نقل از شاه‌قاسمی،۱۳۸۵)

۲- قواعد فقهی حاکم بر روابط

در ذیل به قواعدی که حاکم به روابط نظام اسلامی با ملت‌های مسلمان است، پرداخته می‌شود. قبل از بررسی ذکر دو نکته ضروری است: اول اینکه در این مقاله تنها به قواعدی اشاره می‌شود که مستقیماً با این مقوله ارتباط داشته باشند بنابراین قواعدی که ممکن است ارتباط بعید با مسئله تحقیق داشته باشند، طرح نشده‌اند. دوم اینکه باتوجه‌به اینکه بنای مقاله بر بیان و تطبیق قواعد است از بحث مفصل درباره مستندات و فروعات قاعده خودداری شده است.

۲-۱- قاعده نفی سبیل

برپایه‌این‌قاعده‌فقهی،حکمی‌که باعث تسلط کافر برمسلمان باشد، دردین نیست.(بجنوردی، ۱۴۱۹؛۱، ۱۸۷-۱۸۸) این قاعده بر احکام اولیه تقدم داشته(فاضل‌لنکرانی،۱۳۸۳؛ ۲۳۳) و هر حکمی که با آن منافات داشته باشد، باطل می‌شود.

این قاعده شامل همه ابواب فقه شده و در همه روابط فردی و اجتماعی مسلمانان و غیرمسلمانان به‌ویژه در فقه اقتصادی و فقه سیاسی حاکم است.(عمیدزنجانی،۱۳۹۲؛۲۴) فقها برای اثبات این قاعده به ادله قرآنی، روایی و عقل و اجماع تمسک کرده‌اند اما مهم‌ترین دلیل قاعده نفی‌سبیل را، آیه نفی‌سبیل شمرده‌اند که می‌گوید: «لَنْ یجْعَلَ اللَّهُ لِلْکافِرِینَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ سَبِیلًا» (خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلّطی] قرار نداده است)(نساء،۱۴۱)«خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلّطی] قرار نداده است.» ازآنجایی‌که در خارج همیشه غلبه ظاهری کفار بر مسلمانان روی نداده است؛ منظور آیه این است که هیچ حکمی وجود ندارد که اجازه دهد کافران بر مسلمانان سلطه یابند (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳؛۲۳۴) همچنین حدیث نبوی«الْإِسْلَامُ یعْلُو وَ لَا یعْلَی عَلَیهِ وَ الْکفَّارُ بِمَنْزِلَه الْمَوْتَی لَا یحْجُبُونَ وَ لَا یرِثُونَ»(شیخ صدوق، ۱۴۱۳؛۳۳۴) بر این قاعده دلالت دارد و طبق آن اسلام از هر چیزی برتر است. البته برخی این حدیث را به‌عنوان قاعده دیگری برشمرده اند؛ اما به نظر می‌رسد این دو، قاعده واحدند و دو روی یک سکه اند و این روایت در واقع جنبه اثباتی قاعده نفی سبیل را تبیین می‌کند.

طبق مفاد این قاعده می‌توان گفت راه هر نوع نفوذ و سلطه کفار بر جوامع اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی باید مسدود شود و به‌عبارتی‌دیگر این قاعده دو جنبه ایجابی و سلبی را مطرح می‌کند؛ جنبه سلبی آن ناظر بر نفی سلطه بیگانگان بر مقدرات و سرنوشت سیاسی و اجتماعی مسلمانان و جنبه ایجابی آن بیانگر وظیفه دینی مسلمانان در حفظ استقلال سیاسی و ازبین‌بردن زمینه‌های وابستگی است. (زینوی‌وند و محمدی، ۱۳۹۳، ۱۶۹)

این قاعده همان‌طور که در فضای حقیقی بین جوامع وجود دارد، بر همه فعالیت‌ها در فضای مجازی هم حاکم است. ازآنجایی‌که ظهور اینترنت و گسترش آن در آمریکا بوده، مدیریت اصلی این فضا نیز در دست آمریکا است و می‌تواند با رصد خواست و ذائقه مردم و گاه تغییر آن، تأثیر مهمی بر سرنوشت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جوامع داشته باشد و حتی مدیریت اعتراضات در کشورهای مختلف را نیز بر عهده بگیرد. نظیر سوءاستفاده‌هایی که در مقیاس فضای وب یا در مقیاس شبکه‌های اجتماعی مختلف مانند توییتر، فیس‌بوک، تلگرام، اینستاگرام و ... یا حتی مسیریاب‌هایی مانند ویز انجام داده است. از طرف دیگر ما در جهان امروز با وجود مباحث مهمی چون جمع‌آوری بیگ دیتا (داده‌های انبوه) و دیتا ماینینگ (داده‌کاوی و پردازش اطلاعات)، سرقت اطلاعات از ملت‌های مسلمان و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری‌شده توسط کفار آسیب‌ها و ضربه‌های فراوان امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وارد شده که بر هیچ‌کس پوشیده نیست. بر اساس قاعده نفی سبیل نظام جمهوری اسلامی ایران در روابطش با ملت‌های مسلمان باید تاحدامکان زمینه‌های تسلط کفار بر مسلمانان را کاهش داده و به‌مرور از بین ببرد. این واجب شرعی را می‌توان از طرق متعدد محقق ساخت و به گفته کارشناسان یکی از اصلی‌ترین راه کارهای برون‌رفت از سلطه کفار، طراحی و تولید اینترنت ملی است که مقرّ و مدیریت آن در حیطه کشور اسلامی و به دستان مسلمین است و نه کفار و بدین صورت ملت‌های مسلمان بدون آنکه آسیب‌های فضای مجازی دامنگیرشان کند، با یکدیگر در ارتباط باشند. مخاطب اصلی این وظیفه مسئولین هستند، هرچند مردم نیز می‌توانند با حمایت عملی از فضاهای ساخت کشور مانند شبکه‌های اجتماعی ایرانی، قدم‌های محکمی را در نفی سلطه کفار بردارند. البته حرکت کردن به سمت نفی سلطه کفار به‌صورت گام‌به‌گام و با سرعتی که اختلال در نظام جامعه ایجاد نکرده و مصالح ضروری جامعه اسلامی را مختل نکند، بر مسئولین و مردم واجب است و از بسترسازی محتوایی در فضای مجازی و ارتقا سواد رسانه‌ای ملت‌های مسلمان نیز در این‌باره نباید غفلت کرد.

۲-۲-اصل لزوم

اصاله اللزوم که بیانگر ثبات و دوام عقد و عدم تأثیر رجوع در آن می‌باشد و در اصطلاح حقوقی با نام اصل لزوم قراردادها معروف است، از مهم‌ترین منابع جهت تعهد به قراردادها محسوب می‌شود. زیرا هرگاه قراردادی صحیحاً منعقد شد، اما به جهتی در لزوم و جواز عقد (شیخ‌انصاری،۱۳۸۱؛۲۵۴، صفایی،۱۳۸۴؛۱۵۸) یا در وجود حق فسخ (شهیدی،۱۳۸۳؛۲۸۳)در آن تردید شد، اصل بر آن است که قرارداد بین طرفین لازم الاتباع است و باید به تعهداتی که ضمن آن نموده‌اند، وفادار باشند. مستندات این قاعده آیات، روایات، بنای عقلاً، غلبه و استصحاب (شیخ انصاری،۱۳۸۱؛۲۱۴) بیان شده است که مهم‌ترین این ادله، آیات قرآنی است از جمله آیه۱ سوره مائده یاأیُّهَا الَّذینَ ءامَنوا اوفوا بالعُقود» که بر اساس این آیه، مؤمنان موظف‌اند به پیمان‌ها و قراردادهای خود وفا کنند.(برای دلالت آیه ر.ک. نراقی، ۱۴۱۷؛۵، شیخ انصاری،۱۳۸۱؛۲۱۵) و آیه۲۹ سوره نساء «یاأیُّهَا الَّذینَ ءامَنوا لا تَأکُلواامولَکُم بَینَکُم بِالباطِلِ الّا ان تَکونَ تِجارَه عَن تَراضٍ مِنکُم.» (ر.ک.خویی، ۱۴۱۸؛۱۴۰-۱۴۱)

یکی از عرصه‌های تعامل نظام اسلامی با ملت‌های مسلمان عرصه تجارت الکترونیک است که به دلیل اهمیت موضوع و گسترش روابط الکترونیکی و تسهیل در امر پیشرفت می‌بایست قوانین تجارت الکترونیک به طور کامل رعایت گردد. انعقاد قراردادهای الکترونیکی که مردم کشورهای مسلمان با یکدیگرمنعقد می‌کنند از طریق نامه الکترونیک، خرید از صفحه وب‌سایت و مبادله از طریق اتاق گفتگو صورت می‌پذیرد. این قراردادها به دلیل اینکه به دو وصف الکترونیکی‌بودن و فرامرزی بودن متصف است، باید از اصول و قواعد قراردادهای الکترونیکی پیروی کند. حکومت اسلامی می‌بایست شرایطی را فراهم آورد تا این قراردادها در بستری مناسب و با رعایت کامل موازین اجرایی گردد. از مهم‌ترین این اصول می‌توان به اصل لزوم قراردادها اشاره کرد که بر اساس این اصل طرفین قرارداد ملزم به اجرای مفاد قرارداد هستند و در صورت تردید در فسخ، اصل بر لزوم قرارداد می‌باشد. لازم به ذکر است از آنجا که محیط اینترنت، مرز جغرافیایی خاص ندارد، بنابراین لزوم دستیابی به هماهنگی میان کشورها برای تأمین منافع شهروندانشان و نیز کشورشان دوچندان می‌شود. این نوع هماهنگی در میان کشورهای اسلامی باید با حسن‌نیت نیز توأم شود و از آنجا که کشورهای اسلامی از اصول واحده اسلامی پیروی می‌کنند؛ ضرورت دارد برای تسهیل مبادلات بین ملت‌های مسلمان قوانین تجارت الکترونیکی مطابق با قواعد فقهی مسلم مذاهب تدوین کنند؛ قوانینی که اولاً نظر به ملیت یا مذهب خاصی نداشته و ثانیاً اشکالات قوانین بین‌المللی در این عرصه مانند کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا را نداشته باشد. البته رویکرد کنونی در زمینه معاملات در فضای مجازی همان رویکرد انطباقی با فضای حقیقی است؛اما قطعاً پاسخگوی مشکلات ناشی از فضای مجازی و الکترونیک از جمله نداشتن جغرافیا و مکان خاص، نوع مبادله خاص ثمن و مثمن و... نخواهد بود. هرچند قانون‌گذار ایران در تدوین قانون تجارت الکترونیک به این جنبه بین‌المللی نظر داشته؛ اما تدوین قانونی مطابق با نظر همه کشورهای مسلمان لازم و ضروری به نظر می‌رسد تا بتواند در حل منازعات بین دول اسلامی و ملت‌های مسلمان مرجع مناسبی در این زمینه باشد.

۳-۲-اصل همزیستی مسالمت‌آمیز

همزیستی مسالمت‌آمیز یعنی افراد باوجوداینکه عقاید یکدیگر را قبول ندارند؛ اما خود را ملزم به رعایت مسائلی می‌دانند که نمود آن در عمل و رفتار اشخاص نمایان می‌شود. این اصل فطری و عقلایی که خردمندان اولین راه‌حل در مخاصمات بین‌المللی را همزیستی مطرح می‌کنند، مستند به ادله قرآنی و روایی متعدد است؛ از جمله در آیه۶۱ سوره مبارکه انفال می‌فرماید: «وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَها وَ تَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمیعُ الْعَلیمُ» بیانگر این است که هرگاه افرادی (کسانی که با تو هم‌عقیده نیستند) بر همزیستی مسالمت‌آمیز روی آوردند، تو نیز بی‌درنگ با آغوش باز دعوت آنان را بپذیر و توکل بر خدا کن. همچنین در آیه۹۰ سوره مبارکه نساء نیز آزار کسانی را که با شما از در صلح وارد شدند و خواستار همزیستی مسالمت‌آمیز هستند، مشروع نمی‌داند. مراد از سِلم و سلامت، کاری خالی از هرگونه آفت‌های ظاهری و باطنی است (راغب‌اصفهانی،۱۴۱۲؛۴۲۱) مسالمت، سازش فرد یا کار شایسته و خوب که در آن فساد نیست (ر.ک: فاطر:۱۰؛ محمد:۲؛ قرشی،۱۳۷۱؛۳۰۰)، نیکی کردن و ایجاد پیوند میان مردم (فراهیدی،۱۴۱۰؛۳، ۱۱۷) آمده است. خطاب در این آیات حاکمان حکومت اسلامی هستند که باید راه مسالمت‌آمیز در برقراری پیمان همزیستی با دیگر ادیان و مذاهب را هموار سازند و با خطاب امر در آیات این مهم را تأکید می‌کند. روش برخورد پیامبر و ائمه علیهم‌السلام نیز مؤید این معناست.

همچنین حضرت علی علیه‌السلام در نامه حکومتی خود به مالک‌اشتر می‌فرماید: مردم یا برادر دینی تو هستند یا هم نوع تو، فردی که هم دین تو نیست نیز به‌عنوان یک هم نوع از حقوق شهروندی برخوردار بوده و تو بایستی به‌عنوان حاکم به‌گونه‌ای عمل کنی که آن شخص نیز در جامعه اسلامی احساس امنیت کند، بدین ترتیب همزیستی مسالمت‌آمیز به وجود خواهد آمد. (نامه ۵۳، نهج‌البلاغه)

پذیرش این اصل علاوه بر آنکه از جنگ و کشتارهای قومی و مذهبی جلوگیری کرده، جوامع اسلامی را به هم نزدیک و مناسبات بین آنها را که مبتنی بر رعایت حق حاکمیت، برابری حقوق، مصونیت و تمامیت ارضی، عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها و... را سامان می‌دهد.

به‌ویژه آن که در شرایط صلح و دوستی، رشد و ارتقای جنبه‌های وجودی انسان‌ها و تفاهم برای رسیدن به توافق‌ها بهتر فراهم شده و وحدت آیین بشری و تمایل انسان‌ها به حق امکان‌پذیرتر می‌شود.

البته ممکن است برخی واژه صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز را یکی پندارند اما به‌کارگیری واژه «صلح» به روابط دو کشور و یا دو ملت اشاره دارد که سعی می‌کنند به‌جای جنگیدن با یکدیگر، روابطی توأم با آرامش و بدون درگیری داشته باشند و «همزیستی مسالمت‌آمیز» بیشتر به مدارا با عموم هم‌نوعان، بخصوص اقلیت‌های دینی و مذهبی ساکن دریک کشور، ارتباط می‌یابد.(رفیعی، ۱۰۷؛۱۳۹۶) و مدارا در کاربرد قرآنی آن رفتاری همراه با تسامح و نرمی و گذشت است در جایی که به‌صورت معمول انتظار برخورد و شدت عمل وجود دارد؛ چنان‌که خداوند متعال، یکی از ویژگی‌های مؤمنان را چنین بیان می‌کند که «آنان سیئه را با حسنه دفع می‌کنند.» (قصص،۵۴)

امروزه با تحول گسترده‌ای که در عرصه ارتباطات و اطلاع‌رسانی به وجود آمده دولت‌ها سعی می‌کنند سیاست‌های خود را برای در دست گرفتن فضای مجازی و حکمرانی بر آن بازتعریف کرده و به آنها شکل جدیدی دهند. حال بازتعریف اصل همزیستی مسالمت‌آمیز در فضای مجازی تحولی در عرصه ارتباطات و شروع پارادایم جدید در این عرصه است. این همزیستی را باید حکومت اسلامی با ملت‌های مسلمان به‌گونه‌ای تنظیم کند که اول به ساماندهی گروه‌های اجتماعی در فضای مجازی بیانجامد؛ دوم سازوکارهایی جهت گفتگوی مسالمت‌آمیز و ارتقای آن ایجاد کند و این امر میسر نخواهد بود، جز باتوجه‌به تفاوت‌های فرهنگی ملت‌های اسلامی و تقویت نقاط مشترک؛ سوم جهت توسعه سایبر با زبان ملت‌های مسلمان (فارسی و عربی) تلاش شود چراکه از سویی زبان عربی زبان اسلام و زبان درک قرآن به عنوان عنصر مشترک ملل مسلمان است و از سوی دیگر عمده کشورهای اسلامی عربی زبان و فارسی زبان هستند؛ ودرنهایت اینکه احترام متقابل به‌عنوان اصل اساسی موردتوجه قرار گیرد. باید توجه داشت که این امور که از اصل فقهی همزیستی مسالمت‌آمیز قابل استخراج است در حد توصیه نیست و همان‌طور که در مقدمه نیز بیان شد، مستلزم وجوب و حرمت شرعی است.

۴-۲-اصل دعوت

یکی از اصول‌فقهی حایزاهمیت و بنیادین در سیاست خارجی‌اسلام، اصل دعوت است که باید بر مبنای سازگاری و دوستی با علاقه‌مندان دین خدا و خصومت با دشمنان خدا، اعتقاد به قرآن، اصالت دادن به ملت‌ها، استقامت و پایداری در مقابل مستکبرین و دشمنان اسلام، انعطاف و نرمش در برابر مؤمنان همراه باشد.

مهم‌ترین مستندات فقهی این اصل مهم، آیات متعدد قرآنی مبنی بر معرفی پیامبران و رهبران به‌عنوان دعوتگران دینی است که نخستین وظیفه آنان را دعوت به تعالیم و ارزش‌های وحیانی، خیر و تزکیه می‌داند. (از جمله آیات ناظر به اصل دعوت ر.ک: سورهای: انبیاء،۱۰۷، بقره،۱۵۱، اسراء،۱۵، مائده،۱۹، نساء،۱۶۵،مزمل،۱۵،احزاب،۴۵، ۴۶، الحاقه،۱۰، توبه،۱۲۸ و...) تا جایی که در برخی از آیات دلیل عدم مجازات را، عدم ارسال پیامبران و دعوت آنان بیان می‌کند: «و ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا» (اسراء،۱۵) که این آیه مستند اصولیان برای اصل برائت نیز می‌باشد. خداوند در آیه «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لانشرک به شیئا» (آل‌عمران،۶۴) وظیفه پیامبر اسلام را در روابط خارجی‌اش دعوت مردم به خداوند یگانه بیان می‌کند. همچنین سیره پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در صلح‌حدیبیه، ارسال پیام و سفیر به دربار امپراتوری ایران، رم و... (زحیلی،۱۹۹۲؛۳۲۰- ۳۲۳) نیز بیانگر نمود این اصل در زندگی سیاسی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در تعامل با ملت‌های دیگر است.

در روایتی حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند: زمانی که پیامبر مرا به‌سوی یمن می‌فرستاد، فرمود یا علی اگر خداوند یک نفر را به دست تو هدایت کند بهتر از تمام آن چیزی است که آفتاب بر آن می‌تابد. (ر.ک:جعفری، ۱۷۴؛۱۳۷۶- ۱۷۶) از ابن عباس نقل شده که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله هرگز با هیچ قومی نجنگید مگر این که آنها را به اسلام فراخواند. (متقی‌هندی،۱۹۷۹؛۴۸۳) سیره پیامبراکرم در جنگ‌ها این بود که ابتدا دشمنان را به اسلام دعوت می‌کرد حتی اگر قبلاً آنان را به اسلام دعوت کرده بود. مثلاً در جنگ خیبر با وجود دعوت قبلی و اطلاع سران یهود از مسئله، بازهم رسول گرامی اسلام سفیران خود را به مدت سه روز برای دعوت آنان

به اسلام می‌فرستاد. (ابن هشام، ۱۹۷۸؛ ۲۱۶) از مجموع آیات ناظر به دعوت و روایات و سیره پیامبر اسلام و رهبران دینی به دست می‌آید که دعوت، یکی از اصول اساسی در روابط خارجی اسلام است؛ این امری است که فقهای شیعه و سنی بر این امر اجماع نظر دارن.د (ر.ک: محمود مصطفی، ۱۹۹۶؛۲۷)

در رفتار سیاسی مبتنی بر دعوت نیز نکاتی مهم و اصولی وجود دارد که اگر به‌خوبی رعایت شود دعوت تأثیرگذار بوده و به دفاع و جنگ نیازی نخواهد بود. مهم‌ترین و جامع‌ترین این شرایط در دستوری است که خداوند درباره چگونگی دعوت به اسلام به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله داده است، آنجا که می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَه وَالْمَوْعِظَه الْحَسَنَه وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل،۱۲۵) ؛ «با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن»

در این آیه نخستین گام در دعوت به‌سوی حق را، استفاده از منطق صحیح و استدلالات حساب شده مطرح کرده، و به تعبیر دیگر دست انداختن در درون فکر و اندیشه مردم و به حرکت درآوردن آن و بیدار ساختن عقل‌های خفته. گام دوم موعظه یعنی استفاده کردن از عواطف انسان‌ها، چرا که موعظه، و اندرز بیشتر جنبه عاطفی دارد که با تحریک آن می‌توان توده‌های عظیم مردم را به‌طرف حق متوجه ساخت و سوم جدال احسن که مخصوص کسانی است که ذهن آنها قبلاً از مسائل نادرستی انباشته شده و باید از طریق مناظره ذهنشان را خالی کرد تا آمادگی برای پذیرش حق پیدا کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۴۹۱-۴۹۳)

لازم به ذکر است هرچند آیات و یا روایات ذکر شده عمدتاً برای روابط دولت اسلامی با کفار است اما از اطلاق و عموم آیات و روایات می‌توان استفاده کرد که هرگاه نظام اسلامی بخواهد با ملت‌های دیگر اعم از مسلمان و غیرمسلمان ارتباط برقرار کند، باید به این اصل اساسی و مترقی پایبند باشد و براین‌اساس یکی از اموری که باید در دستور کار سیاست خارجی نظام قرار گیرد، این است که بتواند تفکر انقلاب اسلامی را به جهانیان صادر کند و این امر با اصل دعوت امکان می‌یابد تا علاوه بر کسب وجهه بین‌المللی، بر دیگر ملل تأثیر و نفوذ داشته باشد. اهمیت این مسئله زمانی دوچندان می‌شود که نفوذ تبلیغات و دعوت در نظام جمهوری اسلامی ایران منجر به ایجاد جریان بیداری اسلامی در ملت‌های مسلمان شود تا بتوانند بر حاکمان مستبد و دیکتاتورشان قیام کنند و انقلابی را به وجود آورند. دستیابی به این مهم خصوصاً در فضای مجازی بسیار سهل‌تر خواهد بود چراکه هم دسترسی بیشتر، دامنه جغرافیایی گسترده‌تر و محتوای داده شده نیز به‌مراتب بیشتر است. در این راستا از همان ابتدا پیام فرامرزی انقلاب اسلامی ایران در قالب استراتژی صدور انقلاب باتوجه‌به قانون اساسی و کلام امام خمینی رحمه الله که فرمودند: «ما انقلابمان را به‌تمامی جهان صادر می‌کنیم» (امام خمینی،۱۳۷۹؛۱۲، ۱۴۸) به‌عنوان یک تکلیف در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت. رهبر معظم انقلاب امام خامنه‌ای نیز بر صدور فرهنگی انقلاب به‌عنوان یک وظیفه تأکید کرده و معتقدند: «صدور انقلاب یعنی صدور فرهنگ انسان‌ساز اسلام و صدور صفا و خلوص و تکیه بر و تکیه و اصرار بر ارزش‌های انسانی ما به این کار به انجام این وظیفه افتخار می‌کنیم این راه انبیا است و این راه را ادامه دهیم» (بیانات معظم‌له در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۸/۴/۱۹)

۵-۲-قاعده حرمه الاعانه علی الاثم

گنهکار گاهی به تنهایی عمل گناه را انجام می‌دهد که عنوان فاعل دارد و گاهی نیز با همکاری دیگری یا دیگران مرتکب می‌شود که این همکاری ممکن است دو صورت داشته باشد؛ صورت اول، دخالت همگی همکاران در عنصر مادی گناه که به‌تمامی آنان، شرکا گفته می‌شود. صورت دوم، به‌گونه‌ایی است که فرد یا افرادی به تنهایی عنصر مادی گناه را مرتکب می‌شوند؛ ولی فرد یا افراد دیگری وی را در انجام عنصر مادی یاری و کمک می‌کنند که به عمل این فرد یا افراد در فقه اسلامی اعانه بر اثم گفته شده، به آنان عنوان معین نیز داده‌اند. در حقوق جزای عرفی به عمل فوق، معاونت در جرم گفته شده، به افراد فوق عنوان «معاون» داده‌اند.(محقق‌داماد، ۱۳۹۰؛۱۷۳)

فقها حرمت اعانت بر «اثم» را مستند به دلایل زیر می‌دانند: آیه شریفه «تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان(مائده،۲) از دلایل قرآنی بر این قاعده است با این استدلال که در این آیه از تعاون بر اثم نهی شده است و نهی دلالت بر حرمت دارد علاوه بر این، مقارن بودن اثم با عدوان هیچ مجالی را برای حمل بر کراهت باقی نمی‌گذارد؛ چون حرمت ظلم و عدوان ضروری و بدیهی است. (محقق‌داماد، ۱۳۹۰؛۱۷۴)

ازآنجایی‌که اطلاق لفظ تعاون در آیه به اعتبار مجموع قضایایی است که از مسلمانان صادر می‌شود؛ نه یک واقعه. پس نهی از اعانت در آیه، کمک هر مسلمانی است نسبت به مسلمان دیگر در خصوص فعل گناه (فاضل‌لنکرانی،۱۳۸۳؛۴۴۵) و هدف آیه این است که می‌خواهد روحیه همکاری و تعاون در گناه را سرکوب کند. البته اشکالات متعددی بر آیه وارد شده و عده‌ای در صدد رفع این

اشکالات برآمده‌اند. (ر.ک.همان،۴۴۱-۴۴۵) همچنین روایات‌متعدد(مجلسی،۱۴۰۳؛۷۲، ۳۷۷؛شیخ‌طوسی،۱۳۶۳؛۵۵) که به دلیل نقدهای متعدد بر استدلال بر روایات (ر.ک. فاضل‌لنکرانی،۱۳۸۳؛۴۴۹) از ذکر آن خودداری می‌شود. اما مهم‌ترین دلیل این قاعده را می‌توان دلیل عقلی دانست با این تقریب که «همچنان که انجام منکر عقلاً قبیح است و همچنان که امر به آن و تشویق به‌سوی آن عقلاً قبیح است، انجام مقدمات برای منکر هم قبیح است. ازاین‌رو، قوانین عرفی عهده‌دار وضع مجازات برای معین جرم هستند؛ اگرچه در میزان قبح باهم متفاوت‌اند.(اردبیلی،۱۳۷۹؛۵۵؛حسینی‌مراغی،۱۴۱۷؛۵۶۵؛طباطبایی،۱۴۱۹؛۸، ۱۴۵؛ مکارم،۱۴۲۵؛۴۴۸) با این‌همه غالب به‌اتفاق فقها حکم تکلیفی اعانه براثم را حرمت می‌دانند. (علامه‌حلی،۱۴۱۵؛۵، ۲۲؛ محقق‌حلی،۱۴۰۸؛۳؛ شیخ‌انصاری،۱۳۸۱؛۱۲۹) و ضابطه اعانه بر اثم در کلمات فقها نیز عرفی است (شهیدثانی،۱۴۲۳؛۳، ۱۲۳؛ شیخ‌انصاری،۱۳۸۱؛۱۲۹) به این معنا که زمان و مکان و عرف، بر اینکه یک عمل مصداق اعانه بر اثم است یا خیر؛ دلالت دارد. ضوابطی که فقها در مورد صدق عرفی آورده‌اند بسیار مشابه یکدیگر است و شـاید مناسب‌ترین آنها همان ملاک و ضابطه شیخ باشد که اگر مقدمه‌ای منحصر در حرام باشد؛ اعانه بر آن مصداق اعانه بر اثم خواهد بود ولو این که معین در فعلش قاصد نباشد. (شیخ‌انصاری۱۳۸۱؛۱۴۰) حال اگر متفاهم عرفی بر ما روشن شد که همان اعانه بر اثم خواهد بود والّا در شناخت مفهوم اعانه باید به‌قدر متیقّن آن بسنده کرد که همان قاصد بودن معین است. (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۴، ۱۵۶)

مفاد قاعده حرمت اعانه براثم، به‌سان دیگر قواعد فقه اسلام، قابلیت انطباق بـر مصادیق نوپدید را دارد. بـه جهت تأثیر شگرف فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات کـه فضای مجازی از دل آنها برآمده، بـه انتشار خیر و شر، عنوان معاونت در برّ و تقوا و معاونت بر اثم و عدوان بی‌چون‌وچرا بر فراهم‌کنندگان و بسترسازان فضای مجازی صادق است وتمام شروط و لوازم انطباق قاعده با قیاس اولویت بر فراهم‌کنندگان بستر ایجاد خیر و شر با سرعت بسیار وجود دارد؛ زیرا هم عنصر قصد در این معاونت و همیاری وجود دارد و هـم صدق عرفی عنوان معاونت در آن بدیهی است. باتوجه‌به تسهیل ارتکاب انواع فراوان اثم و عدوان در فضای مجازی و انحصار حاکمیت دولت بر این فضا، اگـر دولت اسلامی به تکلیف خود در پالایش بی‌اعتنا باشد، عنوان معاونت بـر اثم و عدوان بـر شخصیت حقوقی دولت صادق خواهد بود و این امر از مصادیق معاونت بـر گناه از طریق صناعات است که در کتب فقیهان متقدم دارای پیشینه است؛ بنابراین، پالایش محتوای فضای مجازی از مظاهر اثم و عدوان وتطهیر آن از وظایف نظام اسلامی است. (طباطبایی و لیالی،۱۳۹۷؛۹۵) مصادیق مشهور ایـن قاعده را می‌توان، حرمت کمک به انجام مظاهر فساد در جامعه، حرمت تفرقه‌افکنی بین مسلمانان، حرمت اهانت به مقدسات آنان، حرمت همیاری با حکومت‌های جائر جهت مقابله با حکومت اسلامی و انجام جرائم سیاسـی، حرمت کمک به انجام گناهان فردی و اجتماعی در فضای مجازی برشمرد.

۶-۲- قاعده مصلحت

از قواعد مهم فقهی که آیات قرآن و روایات مستفیض بر آن تأکید داشته و فقها نیز در موارد کثیری مبنای استنباط احکام قرار داده‌اند، قاعده مصلحت می‌باشد (شعرانی،۱۴۱۹؛۴۶۱) مصلحت از ماده صلح گرفته شده و به معنای خیر و صواب (فیومی،۱۴۱۴؛۳۴۵)، خوبی و نیکی، صلاح و هرآنچه که مانع از فساد تباهی بشود و بتواند شئ را از حالت تعادل خارج کند و در مقابل مفسده و فساد قرار دارد. (ابن‌منظور،۱۹۹۴؛۲، ۵۱۶و۵۱۷) از نظر اصطلاحی مصلحت معنایی از منفعت را به دنبال دارد و معیار تصمیم‌گیری حاکم اسلامی در جامعه بر اساس مصلحت، در واقع همان منفعتی است که عموم مردم جامعه آن را دریافت می‌کنند. (نجفی،۱۴۰۴؛۱۵، ۳۸۰؛ ۱۶، ۱۰ ؛ ۱۹، ۱۳۶ و...) مراجع تشخیص مصلحت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، معصومین علیهم‌السلام (ر.ک. صرامی، ۱۳۷۳؛۷۴ ـ ۷۸، جبّار گلباغی، ۱۳۷۸) و ولی‌فقیه هست که می‌تواند با مصلحت‌اندیشی در احکام متغیر و مسائل مستحدثه حکم مناسب را بیان کند. لیکن ولی‌فقیه در احکام ثابت نمی‌تواند به استناد مصلحت، حکم ثابت را تغییر دهد مگر در مواردی که تزاحم وجود داشته باشد که بنابر قاعده اهم و مهم موقتاً می‌تواند از اجرای حکم ثابت، جلوگیری کند.(جوادی آملی،۱۳۷۸؛۴۶۶) امام‌خمینی(ره)دراین‌باره می‌فرمایند:«اگر اختیارات حکومت در چهارچوب احکام فرعیّه الهیّه است، باید عرض حکومت الهیّه و ولایت مطلقه مفوّضه به نبی اسلام صلی‌الله-علیه‌وآله‌وسلّم یک پدیدهٔ بی‌معنا و محتوا باشد و اشاره می‌کنم به پیامدهای آن که هیچ‌کس نمی‌تواند ملتزم به آنها باشد. باید عرض کنم حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله وسلّم است، یکی از احکام اولیّهٔ اسلام است و مقدّم بر تمام احکام فرعیّه حتّی نماز و روزه و حجّ است ... می‌تواند هر امری را، چه عبادی و یا غیر عبادی است که جریان آن مخالف مصالح اسلام است، از آن مادامی که چنین است، جلوگیری کند.» (امام خمینی،۱۳۷۹؛۲۰، ۴۵۱_۴۵۲)

برای اجرای مصلحت در فقه ضوابطی مشخص شده است از جمله آنکه مصالح باید در اهداف و انگیزه‌های عام و فراگیر اسلام برای اداره و هدایت جامعه داخل باشد. به‌عبارت‌دیگر، مصالح باید جهت‌دار و به سمت تحقّق هر چه‌بهتر و بیش‌تر اهداف متعالی اسلام در جهت سعادت جامعه انسانی باشد. دوم آنکه مصالح تشخیص‌داده‌شده با احکام کلّی شرعی مخالفت نداشته باشد. سومین ضابطه در تشخیص مصالح، رعایت قانون اهمّ و مهمّ است. در تطبیق قانون اهمّ و مهم در صحنه جامعه باید به اهمیّت و اولویت حقوق عامّه که تحت عنوان مصالح جامعه، منافع ملی و مانند آن قابل‌درک است و بر حقوق فردی، صنفی و قشری تقدّم دارد، توجّه کافی مبذول داشت و ضابطه چهارم، رعایت خبرویت و کارشناسی است. (ر.ک. صرافی؛۱۳۸۳)

در تطبیق اصل مصلحت با بحث حاضر باید گفت حکومت اسلامی باید در مناسبات ارتباطی خود مصلحت جامعه اسلامی را در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مدنظر داشته باشد و این امری است که عقلای عالم روابط خود را با دولت‌ها و ملت‌های دیگر بر منافع و مصالح خود استوار می‌کنند. عالی‌ترین سطح کاربردی مصلحت را می‌توان در اندیشه و عمل امام خمینی (ره) مشاهده کرد، آنجا که از مصلحت به‌مثابه اصلی راهبردی در مقام تصمیم‌گیری برای حکومت اسلامی تعبیر می‌نماید. طرح این اندیشه مبتنی بر دیدگاه مترقی، شجاعت فردی و مقتضیات زمانی و مکانی‌ای بود که امام خمینی (ره) در آن قرار داشتند و توانستند به بهترین وجهی – ضمن لحاظ نمودن اصول فقه جواهری و نیازهای سازمان حکومتی، از مصلحت به‌مثابه یک قاعده راهبردی سخن بگویند. (افتخاری،۱۳۹۲؛۸۹)

براین‌اساس دولت اسلامی به لحاظ اینکه بایستی در چهارچوب موازین دینی حرکت کند، صرفاً منافع مردمی که فعلاً تحت حاکمیّت او زندگی می‌کنند را در نظر نمی‌گیرد، بلکه «خیر و صلاح بشر» یا لااقل خیر و صلاح امّت اسلامی را نیز در تصمیم‌گیری‌ها در نظر می‌گیرد. پس مصلحتی که مبنای روابط دولت اسلامی با دولت‌ها و ملل دیگر است، مفهومی گسترده‌تر از منافع ملّی است. به عبارتی منافع ملی در نظام اسلامی با منافع ملت اسلام پیوند خورده است این مصالح مبتنی است بر عزّت، کرامت و استقلال اسلام و مسلمانان، ممنوعیّت استعمار و استثمار ملل دیگر، قدرت و آمادگی دفاعی و ممنوعیّت تحمیل و استبداد در عرصه بین‌المللی. (ر.ک.ورعی؛۱۳۹۰)

این مهم در فضای مجازی که فضای ارتباطات گسترده است، نقش تعیین‌کننده و بسزایی دارد. دولت اسلامی در روابط با امت اسلامی باید با حفظ مصلحت جهان اسلام و مسلمین که دربرگیرنده مصالح اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است، دررابطه‌با اخبار منتشره در سایت‌ها، مقابله با سایت‌های مخالف با هنجارهای اسلامی و مروج فساد؛ خصوصاً فسادهای اخلاقی، اعتقادی، سیاسی و مالی در میان افراد، حمایت از مالکیت فکری در فضای مجازی، فراهم‌آوردن زمینه گفت‌وگو بین مذاهب اسلامی و ... برنامه‌ریزی داشته و ضمن اتخاذ تصمیم‌های مؤثر و با درنظرگرفتن جوانب امر، در جهت اجرایی کردن آن بکوشد.

۷-۲-اصل امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر

باتوجه‌به وجوب عقلی امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر و ارشادی‌بودن نصوص دال بر وجوب آن (طوسی، ۱۳۷۵؛۱۴۷-۱۴۶؛ علامه-حلی،۱۴۱۵؛۴، ۴۵۶؛امام‌خمینی،۱۴۱۵؛۱، ۲۰۴)، می‌توان امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر را در فضای مجازی نیز واجب دانست؛ چراکه قائلین به وجوب عقلی امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر به دلایلی چون قاعده لطف (شهیداول، ۱۴۱۴؛۵۰۸؛ سیوری،۱۴۰۴؛۵۹۲)، مقدمه حفظ نظام (عراقی،۱۴۱۴؛۵۳۱) و لزوم جلوگیری از معصیت (امام‌خمینی،۱۴۱۵؛۱، ۲۰۴) تمسک جسته‌اند. همچنین آیاتی چون آیه۷۱ سوره توبه، آیه۱۱۰ سوره آل‌عمران و روایاتی همچون روایت ابوسعید زهری (کلینی،۱۴۰۷؛۵، ۵۷-۵۶؛ حرعاملی،۱۴۰۹؛۱۶، ۱۱۸-۱۱۷) و روایت محمد بن عرفه (کلینی،۱۴۰۷؛۵، ۵۹؛ حرعاملی،۱۴۰۹؛۶، ۱۱۸) بر وجوب امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر دلالت دارند.

اطلاق ادله عقلی ونقلی شامل همه اشکال معصیت و شیوه‌های مختلف جلوگیری از آن می‌شود؛ و بدیهی است که شامل امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر در فضای مجازی نیز بشود. همچنین از راه تنقیح مناط نیز می‌توان وجوب امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر را در فضای مجازی به اثبات رساند؛ چرا که مناط وجوب امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر، احیای دین و اصلاح عوام و سوق‌دادن آنها به راه رستگاری و سعادت و پرهیز از کارهای ناشایست و ناپسند و تسلط‌نیافتن اشرار بر جامعه است؛ چنانچه می‌توان این نکته را از سخنان امام علی (ع) در «نهج‌البلاغه» استنتاج نمود (نهج‌البلاغه، حکمت۲۴۴) حال با اثبات وجوب امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر در فضای مجازی، مراتب آن نیز در این فضا واجب است و هر یک از مراتب هم با درنظرگرفتن قدرت افراد و احتمال تأثیر، معین می‌شود. نظام اسلامی که در این فضا دارای قدرت است می‌بایست برای حفظ ملت‌های مسلمان از انحراف، ترتیبی را اتخاذ نماید تا بتواند در این فضا مراحل امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر را اجرایی کند. مسائل تبلیغی-رسانه‌ای در مرحله لسانی که جز با مشارکت نهادهای مردمی از کشورهای مسلمان که باید سازماندهی شوند سامان یابد و فیلترینگ سایت‌های انحرافی و هک‌نمودن آنها ازباب جلوگیری ازمنکرو حفظ کیان

اسلام ومسلمین، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق آخرین مرحله ازامربه‌معروف و نهی‌ازمنکر؛ یعنی مرتبه عمل و استفاده از قدرت (که صرفاً توسط حکومت انجام می‌شود) در نظر گرفته شود که با حمایت دولت‌های اسلامی و سیاستگذاری در این زمینه میسر خواهد بود.

۸-۲- اصل عدالت

اصل عدالت یا به تعبیری قاعده عدل و انصاف از قواعدی است که آیات متعدد قرآنی (مائده،۸؛ نساء،۵۸؛ نحل،۹۰؛ ص،۲۶؛ حدید،۲۵؛ شوری،۱۵) و روایات ائمه معصومین بر آن دلالت داشته که عدالت را در همه عرصه‌های آن تبیین کرده‌اند؛ عدالت اجتماعی، عدالت سیاسی، عدالت خانوادگی و... علاوه بر آنکه گزاره حسن عدل و احسان از قضایای بدیهی یا دست‌کم از قضایای مشهوره است که خود به یقینی بودن و بدیهی بودن قاعده عدالت حکم می‌کند و در واقع این قاعده، حکمی ارشادی است که مؤید و مؤکد به کتاب و سنت است. اصولیان در باب مستقلات عقلیه با استناد به عقلانی بودن حسن عدل و قبح ظلم، قضایای بسیاری را پایه‌گذاری کرده‌اند (مظفر،۱۳۸۱؛۲۲۷) نیز می‌توان وجوب عدالت را از راه سیره عقلائیه و یا بناء عقلا ثابت کرد؛ زیرا عقلای عالم از هر نژاد و قوم و ملتی که باشند، چه مسلمان و چه غیرمسلمان، عدالت و شخص عادل را دوست دارند و از آن تمجید و تعریف و تحسین می‌کنند و در مقابل، ظلم و ستم و اجحاف را مذمت و تقبیح می‌نمایند. به‌طورقطع، شارع و شریعت ایـن سیره و بناء عقلاً را امضا می‌کند. (محامد، ۱۳۸۵؛۲۳۹)

در بحث مال حلال آمیخته به حرام (طباطبایی،۱۴۱۹؛۴، ۲۶ ؛شهیدثانی،۱۴۲۳؛۲، ۱۳۵) عدم لزوم اجازه ولی در ازدواج دختر باکره رشیده (نجفی،۱۴۰۴؛۲۹، ۲۰۸) تفاوت قیمت کالای سالم و معیوب (نجفی،۱۴۰۴؛۲۳، ۲۹۴) ضمان مثلی (امام‌خمینی،۱۴۱۵؛۲، ۴۶۰) و... این قاعده نمود دارد؛ البته بسیاری از بزرگان فقه این قاعده را عام می‌دانند وآن را مختص مواردی نمی‌شمارند که در روایات آمده است؛ زیرا مصادیق عدالت در عصرها و نسل‌ها و زمان‌ها و مکان‌های مختلف در حال تحول و تطور است و مصادیق و موارد آن نسبت به اوضاع‌واحوال مختلف می‌شود، در هر زمینه‌ای اعم از عرصه‌های اجتماعی، مدیریتی، حقوقی و اقتصادی چهره نشان می‌دهد؛ از این روی نمی‌توان آن را در مصداقی خاص محصور ساخت.

نکته قابل‌تأمل آنکه در تعیین مصادیق عدالت و انصاف علاوه بر احکام قطعی دینی و افزون بر اخلاق، معنویت، عقل، خرد جمعی، وجدان و فطرت انسانی باید در واقعیت‌های اجتماعی نیز ژرف‌نگری و دقت لازم صورت گیرد. باید قابلیت‌های موجود (آنچه می‌تواند بشود)، ضرورت‌ها (آنچه این شدن‌ها را محدود می‌کند) و امکانات (آن چیزهایی که به‌وسیله آنها می‌توان چیزهای دیگر را به وجود آورد) در جامعه را مطالعه کرد تا بتوان دریافت که مفاهیم کلی و انتزاعی دررابطه‌با یک وضعیت معین و مشخص مصداق عدل است یا مصداق ظلم. (اصغری،۱۳۸۸؛۱۹)

حال فضای مجازی به‌مراتب می‌تواند در توسعه عدالت نقش ایفا کند. اول خود استفاده از ابزار فضای مجازی این امکان را به هرکس می‌دهد که صدایش را به گوش همگان برساند و مطالبه‌گر و ناظر بر عملکردها باشد و دوم اینکه فضای مجازی و سایبر این امکان را می‌دهد که عدالت را در همه ابعاد آن بررسی و اجرایی کند. از این روی حکومت اسلامی با دردست‌داشتن این ابزار می‌تواند در تعامل با ملت‌های مسلمان ابعاد مختلف عدالت را عملیاتی کند. اصل عدالت به‌عنوان یک اصل فقهی-اعتقادی و اخلاقی جزء مهم‌ترین بخش‌های سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی است در بخش نخست این سند صلح‌طلبی عادلانه و احترام متقابل در روابط بین‌الملل و نیز عدالت، کرامت انسانی و آزادی مسئولانه، شفافیت و دسترسی آزاد و عادلانه به اطلاعات و خدمات از ارزش‌های حاکم بر فضای مجازی کشور شمرده شده و برآن تأکید گردیده است.

ابعاد عدالت که نظام اسلامی مسئول آن است مختلف است؛ عدالت اجتماعی که جوامع اسلامی را به سمت تشکیل تمدن نوین اسلامی پیش می‌برد، عدالت آموزشی که شرایط آموزش فنون و مهارت‌ها را با استفاده از اساتید متخصص برای همگان فراهم می‌کند، تبیین عدالت جنسیتی و آشناکردن زنان با حقوق و مسئولیت‌هایشان، عدالت‌رسانه‌ای با ایجاد شرایط مناسب برای فعالیت پلتفرم‌های ساخت مسلمانان و پخش تولیدات رسانه‌ای آنان، تبعیت از معیارهای عدالت و انصاف در صحنه روابط بین‌المللی با کشورهای مسلمان که منجز به وحدت، همزیستی مسالمت‌آمیز، احترام متقابل به مقدسات یکدیگر و در نهایت باعث ایجاد فضایی همراه با صلح و آرامش خواهد شد. یکی دیگر از ابعاد عدالت که حکومت اسلامی باید در آن نسبت به ملت‌های مسلمان نقش‌آفرینی داشته باشد، مخالفت با ظلم و تن ندادن به آن است. امری که رهبر کبیر انقلاب بر آن تاکید و توصیه داشته‌اند: «انظلام (تن‌دادن به ظلم)، روند بی‌عدالتی و بی

قانونی جهانی را تشدید می‌کند: انظلام بدتر از ظلم است، اعتراض کنید؛ انکار کنید؛ تکذیب کنید؛ فریاد بزنید. باید در برابر دستگاه تبلیغات و انتشارات آنها دستگاهی هم این‌طرف به وجود بیاید تا هرچه به‌دروغ می‌گویند، تکذیب کند. بگوید دروغ است ...(امام-خمینی،بی‌تا؛۱۰۶) واین انظلام همان بزرگ‌ترین مانع بر سر عدالت‌خواهی است که باید با آن مبارزه کرد. این مسائل را می‌توان مهم‌ترین ابعاد عدالت در تعامل با ملت‌های مسلمان دانست که حکومت اسلامی با دردست‌داشتن فضای مجازی و تسلط بر آن به‌خوبی می‌تواند در این عرصه‌ها سرمایه‌گذاری و روشنگری کند و تمدن اسلامی را بازیابی و آن را در میان ملت‌های مسلمان نهادینه کند.

۹-۲-قاعده وجوب حفظ نظام

قاعدهٔ فقهی وجوب حفظ نظام از قواعد مهم و پرکاربرد در حیطه فقه حکومتی است. برخی مراد از حفظ نظام را نظام اجتماعی (انصاری،۱۴۱۶؛۱۹۶؛ میرزای‌نائینی،۱۴۱۳؛۴۲) عده‌ای کیان اسلام که شامل حفظ احکام اسلام و حتی حفظ اتحاد مسلمانان یا در مواردی شامل حفظ مرزهای اسلام در مقابل کفار نیز می‌دانند. (ابن‌ادریس،۱۴۱۰؛ ۴) برخی آن را حکومت سیاسی که شامل حکومت پیامبر، ائمه و ولی‌فقیه می‌شود مطرح کرده‌اند. (میرزای‌نائینی،۱۴۲۴؛۷۵-۷۶؛ امام‌خمینی،۱۳۷۹؛۱۹، ۱۵۳) به نظر می‌رسد باتوجه‌به عنوان نظام که در قاعده عام است شامل همه موارد می‌شود و شاید بتوان هریک را به دیگری نیز ارجاع داد.

مهم‌ترین دلیل این قاعده، دلیل عقلی و بنا عقلا است؛ زیرا عقل مستقلاً درک می‌کند که اختلال نظام قبیح است و با ضمیمه قانون ملازمه، حرمت شرعی مسئله نیز مشخص می‌شود. این قاعده از درجه‌ای از اهمیت برخوردار است که فقها آن را جزء احکام اولیه (مکارم‌شیرازی،۱۴۲۵؛۶۰) و حاکم بر احکام دیگر می‌دانند به‌گونه‌ای که درصورت نیاز می‌تواند برخلاف احکام الزامی شرعی جعل حکم و قانون کند.

حال همان‌طور که این قاعده در فضای حقیقی دارای اثرات زیادی است، در فضای مجازی و در ارتباط حکومت با ملت‌های مسلمان نیز دارای تأثیرات بسزایی است؛ از جمله اینکه یکی از مصادیق این قاعده، حفظ مملکت مسلمانان یا حفظ جان یا حتی قدرت و اتحاد آنان است که این معنا در روایات ما به طور صریح آمده است.(فَرَضَ اللّهُ الایمانَ تَطهیراً مِنَ الشِّرکِ ... وَالاِمامَه نِظاماً لِلاُمَّه؛نهج‌البلاغه، حکمت ۲۴۴) یکی دیگر از مصادیقی که نمود بیشتری در فضای مجازی دارد، بحث جواز تجسس از امور خصوصی مردم و هک کردن به‌منظور شناسایی و کشف دشمنان نظام اسلامی که بر ضد اسلام و مصالح عمومی مردم فعالیت مخفی می‌کنند و وجوب جعل هر قانونی که باعث شود فضای مجازی از هرج و مرج و ولنگاری نجات یابد. از جمله راه‌اندازی شبکه ملّی اطلاعات، حمایت و توانمندسازی پیام‌رسان‌های داخلی، تقویت حضور جریان‌ساز در حوزه فضای مجازی از طریق تشکیل شبکه‌های عملیات رسانه‌ای و توانمندسازی آنان، تولید انبوه محتوای سالم، انقلابی و ارزشی و شاخص سازی کانال‌های عرضه این نوع محتوی، به‌کارگیری سیاست‌های کنترلی در مواجهه با محتوای فاسد و... .

۱۰-۲-قاعده وجوب التحفُّظ علی سرِّ المسلمین

حفظ اسرار خود و دیگران، از اموری است که نه‌تنها در آیات و روایات متعدد به آن سفارش شده است؛ بلکه مسئله‌ای است که پشتوانه عقلی دارد و عقلای عالم بر حسن و وجوب آن صحه می‌گذارند. در متون روایی و اخلاقی اهمیت این مسئله و آثار افشای سر از بعد فردی و اجتماعی را به‌تفصیل بیان کرده‌اند از جمله آنکه حضرت علی علیه‌السلام فرمودند: «سِرُّکَ سُرُورُکَ اِنْ کَتَمْتَهُ وَ اِنْ اَذَعْتَهُ کانَ ثُبُورَکَ؛ سرّ تو مایه سرور و خوشحالی تو است، به‌شرط آنکه آن را کتمان کنی، و اگر آن را افشا کنی، (چه‌بسا) مایه هلاک تو می‌شود (تمیمی، ۱۳۶۶؛۳۲۰) و نیز فرمودند: «جُمِعَ خَیرُ الدُّنیا وَ الآخره فِی کِتْمانِ السِرِّ وَ مُصادَقَه الأخْیارِ وَ جُمِعَ الشَّرُّ فِی الإذاعَه وَ مُؤاخاه الأشرار؛ تمام خیر دنیا و آخرت در دو چیز جمع شده: در رازداری و دوستی با نیکان، و تمام بدی ها در دو چیز جمع است: افشای سرّ و دوستی با بدان (مجلسی،۱۴۰۳؛۷۱، ۱۷۸) همچنین امیرمؤمنان علیه‌السلام درباره کسی که افشای‌سر کند، فرمود: «مَنْ اَفْشی سِرّاً اِسْتُودَعَهُ فَقَدْ خانَ؛ هر کس سرّی را که به او سپرده شده، فاش کند، خیانت کرده است. (تمیمی، ۱۳۶۶؛۳۲۱)

حفظ اسرار ابعاد مختلفی دارد گاهی راز مربوط به خود شخص است، گاهی مربوط به خانواده، فامیل، دوستان، کشور و نظام اسلامی و جامعه مسلمانان. از نمونه‌های رازداری ائمه در بعد سیاسی و حفظ کیان اسلام و شیعیان تأسیس سازمان مخفی وکالت بود که از ابتدای دوره عباسیان شروع و تا زمان امام حسن عسکری علیه‌السلام به‌صورت گسترده و نظام‌مند فعالیت می‌کرد. (ر.ک. جباری‌وملبوبی، ۱۳۸۹) و آیه «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُوْلِي الأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ» (نساء،۸۳)؛ «هنگامی که خبری از پیروزی و شکست به آنها برسد، (بدون تحقیق) آن را شایع می‌سازند و اگر آن را به پیامبر و پیشوایان (که قدرت

تشخیص‌دارند) ارجاع دهند، از ریشه‌های مسائل آگاه می‌شوند»، بر همین بعد سیاسی و نظامی حفظ اسرار اشاره می‌کند. امام صادق علیه‌السلام بعد از خواندن این آیه، فرمود: خداوند شایعه‌کنندگان را در این آیه سرزنش کرده است و شما هم از این، درس بیاموزید و رازدار باشید. چرا رازها را فاش می‌کنید!؟ (کلینی،۱۴۰۷؛2، 369) نمونه دیگر رازداری از حیث مکتب و عقیده است که تحت عنوان قاعده تقیه در فقه شیعه از آن یاد می‌شود (ر.ک. فاضل هرندی؛۱۳۸۳)

درهرصورت رازداری مرتبط با مسائل سیاسی–مکتبی از درجه‌ای از اهمیت است که امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «ما قَتَلنا مَنْ اَذاعَ حَدِیثَنا قَتْلَ خَطَاء وَلکنْ قَتَلَنا قَتْلَ عَمْد؛ کسی که اسرار ما را فاش کند، ما را به قتل خطا نکشته، بلکه به قتل عمد کشته است» (کلینی، 1407، 2، 370) که به‌وضوح در این روایت، افشاگر سر را به‌عنوان کسی که نقش اساسی در قتل آن بزرگواران دارد معرفی کرده، گویا به‌عمد امام را شهادت رسانده است.

بنابراین با وجود این حجم وسیع از آیات و روایات و ابعاد گستره رازداری، بحث فقهی و حقوقی آن نیز دارای اهمیت است. هرچند فقها از آن به‌عنوان قاعده فقهی یاد نکرده‌اند اما می‌توان آن را در زمره قواعد فقهی مسلم دانست. چنانچه آیت‌الله رشاد در درس خارج فقه ژنتیک این قاعده را به‌عنوان یکی از ادله حفظ ژنوم انسانی یاد کرده‌اند که بر اساس این قاعده هم در مقیاس ملی باید اسرار ژنی اقوام خودی و ملی را از دشمنان و أجانب حفظ کنیم و هم اسرار ژنومی و وراثی آحاد و اقوام مسلمان در مقابل غیر مسلمین، مخصوصاً دشمنان حربی. (رشاد، جلسه۸، ۹۹/۳/۶)

حال همان‌طور که بر حکومت‌اسلامی به‌عنوان یکی از مخاطبان ادله حفظ اسرار، واجب است در فضای حقیقی از اسرار مرتبط با حفظ کیان اسلام و مسلمانان محافظت کند، این امر با جدیت و برنامه‌ریزی دقیق‌تر باید در فضای مجازی صورت گیرد؛ زیرا پوشیده نیست که در این فضا به علت‌های مختلفی افشای سر به‌مراتب سهل‌تر خواهد بود. از جمله سهولت دسترسی به سیستم‌ها، اتخاذ هویت جعلی در فضای سایبر، وسعت و فراگیر بودن قلمرو آن؛ بگونه‌ای که هرگونه داده را می‌توان از پژوهش‌های علمی و دانشگاهی تا اطلاعات سری نظامی‌وسیاسی‌وحتی‌خصوصی‌ترین‌اطلاعات افرادیافت.

قوانین بین‌المللی در این زمینه ازجمله سند بین‌المللی کنوانسیون بوداپست ۲۰۰۱ موادی را اختصاص به حمایت از حریم خصوصی افراد دارد؛ اما در خصوص جرم افشای اسرار در محیط مجازی حکم خاصی دیده نمی‌شود. قانون‌گذار داخلی نیز در قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ و ماده ۱۷ این قانون در خصوص افشای اسرار خصوصی یا خانوادگی از طریق سامانه‌های رایانه‌ای اقدام به جرم‌انگاری نموده است. اما نظام اسلامی برای اینکه بتواند تمدن اسلامی را در میان جوامع اسلامی نهادینه کند و ملت واحده مسلمان را به وجود آورد، لازم است در این عرصه نیز وارد شده وبا کمک و حمایت دولت‌های مسلمان قانونی جهت حمایت از اسرار مسلمانان تدوین و تصویب نماید.

۱۱-۲-حرمت ایذاء مؤمن

یکی دیگر از مسلّمات فقهی قاعده «حرمت ایذاء مؤمن» است که هر نوع فعل یا قولی که موجب آزار و اذیت دیگران گردد، حرام است. مستند فقهی این قاعده علاوه بر استقلال عقل به قبح آزار دیگران و بنای عقلاً در این مسئله، آیات و روایات فراوانی است که حرمت مسئله را به‌صورت واضحی مطرح می‌کند. از آیات می‌توان به آیه ۵۸ سوره مبارکه احزاب اشاره کرد:«وَ الَّذِینَ یؤْذُونَ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِناتِ بِغَیرِ مَا اکتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتاناً وَ إِثْماً مُبِیناً؛ »و آنان که مردان و زنان باایمان بی‌تقصیر و گناه را بیازارند (بترسند که) دانسته بار تهمت و گناه آشکار بزرگی را برداشته‌اند.» علامه طباطبایی در وجه اینکه قرآن آزار مؤمنین را بهتان واثم مبین خوانده می‌فرمایند: «اگر ایذای مؤمنین را بهتان خوانده، وجهش این است که آزاردهنده مؤمنین حتماً پیش خودش علتی برای این کار درست کرده، علتی که از نظر او جرم است، درحالی‌که در واقع جرمی نیست، و این همان دروغ بستن، و نسبت جرم به بی‌گناهی دادن است، و این‌طور نسبت دادن بهتان است و اگر آن را اثم مبین خواند، بدین‌جهت است که گناه بودن افتراء و بهتان، از چیزهایی است که عقل انسان آن را درک می‌کند، و احتیاجی ندارد به اینکه از ناحیه شرع نهیی در مورد آن صادر شود» (طباطبایی،۱۳۷۴؛۵۰۹) همچنین در روایات متعدد آزار و اذیت رساندن به دیگران به‌اندازه‌ای قبیح و زشت است که امام رضا علیه‌السلام از پیامبر صلی‌الله علیه و آله نقل فرموده: «**من بهت مؤمناً أو مؤمنه أو قال فیه ما لیس فیه اقامه الله تعالی یوم القیامه علی تلٍ من نار حتی یخرج مما قاله فیه**»؛(کلینی،۱۴۰۷، ۲؛ **۳۵۷**)« کسی که به مرد یا زن مسلمانی بهتان زند یا دربارهٔ او سخنی بگوید که در او نیست، خداوند او را در قیامت روی تلی از آتش قرار می‌دهد تا از عهدهٔ آنچه گفته برآید» طبق روایات یکی از بدترین و زشت‌ترین اعمال، آزار و اذیت دیگران است؛ چرا که برهم زنندهٔ تعادل در زندگی

فردی و اجتماعیست. پیامبر اکرمصلی االه علیه و آلهدر این‌باره فرمود: «**خَصْلَتَانِ لَیسَ فَوْقَهُمَا مِنَ الشَّرِّ شَیءٌ الشِّرْکُ بِاللَّهِ وَ الضَّرُّ لِعِبَادِ اللَّه**»؛ (حرانی،۱۴۰۴؛۴۸۶) «دو خصلت ناپسند است که بدتر از آنها نیست: شرک به خدا و آزار بندگان خدا». ایذاء مؤمنان به اندازه‌ای مذموم است که در روایت اسلامی این عمل زشت و ناپسند به منزلهٔ اعلام جنگ با خدا و پیامبرصلی االه علیه و آله شمرده شده است. رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله دراین‌رابطه فرمود: «**من آذی مؤمناً فقد آذانی و من آذانی فقد آذی اللّه و من آذی اللّه فهو ملعون فی التّوراه و الإنجیل و الزّبور و الفرقان**»؛ (نوری،۱۴۰۸؛۹۹)« هرکس که مؤمنی را بیازارد، مرا آزرده و هرکسی که مرا بیازارد خدا را آزرده و هرکسی که خدا را بیازارد در تورات و انجیل و زبور و قرآن ملعون است». همچنین خداوند در حدیث قدسی می‌فرماید: «**مَنْ أَهَانَ لِی وَلِیاً فَقَدْ بَارَزَنِی بِالْمُحَارَبَه**»؛ (**کلینی،۱۴۰۷؛۱، ۱۴۴**)« هر که به یک دوست من اهانت کند، آشکارا به جنگ با من آمده است»

از منظر تعالیم اسلامی، اهانت به گناهکاران و مجرمین و حتّی محکومین به اعدام نیز جایز نیست و اساساً شکنجه و تحقیر در اسلام ممنوع است و این به‌خاطر عزّت و احترامی است که پروردگار عالم برای انسان، خصوصاً مؤمنین قائل شده است؛ ازاین‌رو امام صادق علیه‌السلام در حدیث قدسی فرمود: «**لیأذن بحرب منّی من اذی عبدی المؤمن و لیأمن غضبی من اکرم عبدی المؤمن**»؛ (مازندرانی، ۱۳۸۲، ۹، ۳۹۷) «باید اعلام جنگ با من [خداوند] بکند هرکسی که بندهٔ مؤمنی را بیازارد و از خشم و غضب من آسوده و ایمن باشد»

بنابراین آزار و اذیت مردم جزء حرام‌های مسلم است، ادله این مسئله نیز اطلاق داشته و شامل هر نوع کاری که باعث آزار و اذیت شود اعم از قول و فعل و در هر زمان، مکان و احوالی باشد و نیز شامل کوچک و بزرگ و مرد و زن نیز می‌شود. البته باید در نظر داشت که در خود آیه قرآن حالتی را به‌عنوان استثنا ذکر کرده «بِغَیرِ مَا اکتَسَبُوا» که بنابر فرمایش مفسران «شامل صورت قصاص و حد شرعی، و تعزیر نمی‌شود، چون ایذای مؤمنین و مومنات، در این چند صورت گناه نیست، زیرا خود شارع اجازه داده، تا مظلوم از ظالم خود قصاص بگیرد، و به حاکم شرع اجازه داده تا بعضی از گنهکاران را حد بزند، و بعضی دیگر را تنبیه کند و همچنین امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر» (مکارم،۱۳۷۴؛۴۲۳)

حضرت امام(ره) بر اساس حرمت ایذاء درباره مراحل امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر می‌فرماید: «در صورت احتمال تأثیر و رفع منکر، واجب است که به این مرتبه که ذکر شد اکتفا شود، و همچنین در همان مرتبه، واجب است به درجه ضعیف‌تر و آسان‌تر اکتفا گردد و اگر اثر نکرد به درجه بعدی منتقل شود. مخصوصاً اگر طرف در موقعیتی باشد که به‌مانند کار او هتک می‌شود که تعدّی از مقدار لازم جایز نیست، پس اگر احتمال می‌دهد که با برهم گذاشتن چشم که خواسته‌اش را می‌فهماند، مطلوب حاصل می‌شود، برایش جایز نیست که به مرتبه بالاتر تعدّی کند.» (امام خمینی،۱۳۸۵؛۵۴۱) و در ادامه می‌فرماید: «اگر بعضی از مراتب گفتار از جهت اذیت و اهانت کمتر باشد واجب است به آن اکتفا نماید و مقدم بر آن می‌باشد، پس اگر وعظ و ارشاد با زبان نرم و روی باز، فرضاً مؤثر باشد یا احتمال تأثیر داشته باشد و اذیتش از کناره‌گیری و اعراض از او و مانند این‌ها کمتر باشد، تعدّی از آن به این‌ها جایز نیست.» (همان، ۵۴۳)

باید توجه داشت که ایذاء مؤمن از مواردی است که حرمت وضعی و تکلیفی دارد. حرمت تکلیفی آن منوط به‌قصد است اما حرمت وضعی و ضامن شدن افراد در صورت هرگونه اذیت به دیگران اعم از مالی یا فعلی از مسلمات فقه است که نیازی به‌قصد اذیت و آزار نیز ندارد هرچند در این موارد حرمت تکلیفی برای اشخاص ندارد اما ضامن هستند و باید جبران خسارت کنند.

حال در بحث حاضر یکی از قواعدی که حکومت اسلامی در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات در قبال ملت‌های مسلمان در ساماندهی فضای مجازی باید در نظر بگیرد، توجه به این قاعده مهم در عرصه فضای سایبر است. **از جمله حمایت از حقوق مسلمانان به اینکه مذهب و قومیت آنها مورد تمسخر و استهزاء قرار نگیرد یا** فردی برادر مسلمان خویش را تحقیر کرده و کلمات حقارت‌آمیز به او بگوید، همچنین سبک شمردن و بی‌اعتنایی به مسلمین. در روایات به‌مثابه سبک شمردن اهل‌بیت علیهم السلام محسوب شده است؛ چنانچه ابو هارون می‌گوید: در حضور امام صادق علیه‌السلام بودم که ایشان خطاب به حضار در جلسه فرمود: «شما چرا ما را سبک می‌شمارید؟ مردی از اهل خراسان برخاست و گفت پناه می‌بریم به خدا از اینکه شما و یا چیزی از اوامر شما را سبک بشماریم. حضرت فرمود: آری تو یکی از آن‌هایی هستی که مرا سبک شمردی! آن شخص گفت: به خدا پناه می‌برم از اینکه شما را کوچک بشمارم. حضرت فرمود: وای بر تو آیا حرف فلانی را نشنیدی؟ وقتی که نزدیک جحفه بودیم و او خسته بود و از تو درخواست کرد

که به اندازهٔ یک میل راه او را با خود ببری، به خدا سوگند سرت را به‌سوی او نگرداندی و او را سبک شمردی، هر که مؤمنی را سبک شمارد، ما را سبک شمرده و حرمت خدا را ضایع نموده است» (کلینی،۱۳۸۱؛۱۳۹)

یکی دیگر از وجوه آزار و اذیت افشای اسرار است که به‌خاطر ابعاد گسترده آن و اهمیت آن تحت عنوان قاعده‌ای دیگر آوردیم و مصادیق دیگری که بنابر بر اطلاق قاعده شامل هرگونه آزار و اذیتی می‌شود؛ بنابراین حکومت اسلامی به‌عنوان کسی که بر این فضا تسلط دارد و می‌تواند اعمال‌نفوذ کند، باید در این زمینه ورود کرده و همان‌طور که بیان شد با ایجاد سازو کارهایی مانع از این آزار و اذیت شود و در صورت وقوع جرم مطالبه قانونی داشته باشد که این مستلزم وضع قوانین در این مورد با همراهی و مشارکت دولت‌های اسلامی است.

۱۲-۲-قاعده وجوب تعظیم شعایر الهی

از جمله قواعدی که در حوزه فقه سیاسی، پیرامون سیاست داخلی و خارجی، قابل‌بررسی است، قاعده فقهی وجوب تعظیم شعائر الهی است که خاستگاه این قاعده آیه شریفه «وَمَن يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَى الْقُلُوبِ»(حج، ۳۲) است. شعائر جمع شعیره است که راغب شعیره را چیزی می‌داند که از طریق حواس ظاهری بتوان به آن علم پیدا کرد (راغب اصفهانی،۱۴۱۲؛۲۶۸) لغت‌نویسان دیگر نیز در تعریف و ملاک شعیره قابلیت ابراز و اظهار آن و علامت چیزی بودن را مطرح کرده‌اند (فراهیدی،۱۴۱۰؛ ۲، ۹۲۲؛ فیروزآبادی،۱۴۱۵؛۱۲۷) از ظاهر آیه فوق برداشت می‌شود از آنجا که تعظیم شعائر با تقوای درون ارتباط مستقیم دارد در نزد خداوند عزوجل، از اهمیت بالایی برخوردار است. مرحوم مراغی بکار بردن تقوی و پرهیز در آیه شریفه را دلیلی بر وجوب تعظیم شعائر واجب دانسته و می‌نویسد: «ترسی در مخالفت امور مستحبه وجود ندارد تا امر به پرهیز شود و همین که تعظیم شعائر از مصادیق تقوی شد خودش شاهدی بر عقاب در ترک آن است ... تعظیم شعائر از تقوی است و تقوی به‌واسطه آیات و روایات صریحه واجب است پس تعظیم شعائر که از مصادیق آن است واجب است» (حسینی‌مراغی،۱۴۱۷؛۵۶۱) درباره مصادیق شعائر هم دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد و هریک از مفسران مصادیقی را برای شعائر ذکر کرده‌اند اما به فرموده آیت‌الله جوادی آملی «شعائرالله به معنی آثار و علائم تشریعی الهی است که با لطافت و دقت قابل ادراک باشد مانند صفا و مروه ... شعائر الهی یعنی آنچه را خداوند علامت عبادت قرارداده» (جوادی آملی،۱۳۸۵؛۸، ۲۳و ۳۸)؛ «هر حکم و شریعتی شعائر الهی است که نباید رها شود. هرچند هر حکمی از احکام شریعت علامتی از علائم دین خداست، لیکن معنای شعائر در آیه موردبحث (مائده/ ۲) مطلق حدود الهی نیست» (همان،۲۱، ۵۳۰) البته فقها آیات دیگری را نیز مستند این قاعده قرار دادند (مائده، ۲؛حج،۳۰؛انعام،۱۰۸؛بقره،۱۵۸ وحج،۳۶) روایات فراوانی نیز مبنی بر وجوب تعظیم شعائر الهی و حرمت اهانت به آن از ائمه معصومین علیهم‌السلام وارد شده است (حرعاملی،۱۴۰۹، ۱۱، ۶۵؛ همان، ۱۲، ۴۲۶؛ همان، ۱۹، ۲۵۱ و ۱۵۶؛ کلینی،۱۴۰۷؛۷، ۲۶۶ و...) که همه دلالت بر اهمیت و وجوب این مسئله در روابط سیاسی دارد. علاوه بر اینکه عقل نیز به قبح اهانت به شعائر و هرآنچه مقدس شمرده می‌شود و تعظیم و بزرگداشت هرآنچه بتوان آنرا مقدس قلمداد نمود، حکم می‌کند. عقلای هر دین و قومی نیز بر این دو امر مهم تأکید دارند و بنابر نظر عده‌ای از فقها این قاعده جزء ضروریات بوده که نیازی به اثبات ندارد.(ر.ک به: بجنوردی،۱۴۱۹؛۵، ۲۹۵؛ نراقی،۱۴۱۷؛۳۱؛ حسینی‌مراغی،۱۴۱۷؛۵۵۶)

حال از آنجا که نمود حفظ شعائر و از طرفی دیگر اهانت به آن جنبه بیرونی و به عبارتی اجتماعی دارد، در نتیجه حکومت اسلامی همان‌طور که در قبال مسائل اجتماعی وظیفه دارد، در این زمینه نیز وظیفه دارد. قطعاً وظیفه حکومت اسلامی به‌خاطر وجود عنصر قدرت در آن، هم وجوب تعظیم است و هم ممانعت از حریم‌شکنی و توهین به شعائر اسلامی. زیرا اهانت به شعائر، تبعات اجتماعی سنگینی داشته و جامعه را ملتهب می‌کند. امام خمینی (ره) با درکی عمیق از اهمیت این موضوع می‌فرمایند: «انقلاب کردیم که شعائر اسلام را زنده کنیم، نه انقلاب کردیم که شعائر اسلام را بمیرانیم» (امام خمینی، ۱۳۷۹؛۱۳، ۳۲۷)

باید توجه داشت که حفظ حرمت شعائر ملت‌های مسلمان علاوه بر وجوب تکلیفی و اینکه از اصول مسلم اخلاقی و انسانی است، نقش بسزایی در وحدت مسلمین و تحکیم روابط دوستانه بین جوامع اسلامی دارد. ضمن آنکه احترام به مقدسات مذهبی باعث مصونیت مذهب خویش از توهین می‌شود. رهبر معظم انقلاب در این باره فرمودند: «اینجانب همچون بسیاری از علمای اسلام و دلسوزان امّت اسلامی بار دیگر اعلام می‌کنم که هر گفته و عملی که موجب برافروختن آتش اختلاف میان مسلمانان شود و نیز اهانت به مقدّسات هر یک از گروه‌های مسلمان یا تکفیر یکی از مذاهب اسلامی، خدمت به اردوگاه کفر و شرک و خیانت به اسلام و حرام شرعی است» (پیام به کنگره حج، ۱۳۹۲/۷/۱۹) و نیز فرمودند: «هرگونه گفتار یا کردار و رفتاری که در زمان حاضر سوژه و بهانه به

دست دشمن بدهد و یا موجب اختلاف و تفرقه بین مسلمین گردد، شرعاً حرام اکید است» (جواب استفتاء ازمعظم له، www.leader.ir)متاسفانه باتوجه‌به ویژگی‌های پیش‌گفته فضای مجازی توهین به مقدسات دینی مذاهب و انتشار هرگونه محتوای اهانت‌آمیز به دین مبین اسلام و بازنشر آن به‌صورت گسترده به‌صورت نگارش و نوشتن الفاظ رکیک و موهن، قراردادن پست حاوی اهانت در صفحه اینستاگرامی، عکس‌ها و تصاویر حاوی کاریکاتور و تمسخر چهره‌های مذهبی و غیره محقق می‌شود. حال وظیفه حکومت دراین‌بین کنترل و مسدودکردن وب‌سایت‌ها و حساب‌های رسانه‌ای اجتماعی توهین‌کننده به مقدسات اسلامی و پیگیری قانونی هتک حرمت‌کنندگان عقاید مختلف است.

نتیجه‌گیری

برآیند تحقیق حاضر که مطالعه وسیعی بر روی قواعد فقهی مبتنی بر تعامل نظام اسلامی با ملت‌های مسلمان در فضای مجازی بود، بیانگر آن است که هر یک از این قواعد منشأ استنباط احکام جزئی به فراخور آن قاعده و در ارتباط با این بحث است. چراکه فضای مجازی تهدیدی است برای جوامع اسلامی که اگر دولت‌ها بتوانند آن را مطابق احکام اسلامی سامان دهند، تبدیل به فرصتی جهت شکوفایی جوامع و نیز احیا تمدن اسلامی خواهد شد. لازمه این امر نیز مجهز بودن به دانش کبراهای کلی استدلال که همان قواعد و اصول فقهی برای استنباط احکام و مسائل مستحدثه هستند و البته نگاه حکومتی به مسئله و پرهیز از اعمال سلایق فردی و مذهبی خاص در این زمینه. ازآنجایی‌که مسئولیت مقاله حاضر تنها پرداختن و استخراج قواعد مرتبط بود از ذکر مصادیق جهت اطاله کلام خودداری شد. برای کاربردی کردن پژوهش حاضر پیشنهاداتی داده می‌شود: ایجاد شورای فقهی ناظر بر فضای مجازی که در زمینه روابط بین‌المللی کشورهای اسلامی فعال باشد؛ این شورا می‌بایست متشکل از فقهای مذاهب مختلف اسلامی باشد و با استخراج مبانی فقهی مشترک در مسائل فقهی متعدد، احکام ناظر بر مسائل مستحدثه فضای مجازی را جهت سیاستگذاری در اختیار شورای‌عالی فضای مجازی قرار دهند که بحث مقاله حاضر تنها قواعد فقهی حاکم بر روابط نظام اسلامی با ملت‌های مسلمان بود. عنصر تأثیرگذار دیگر در این زمینه ایجاد ضمانت اجراهای قوی و کاربردی متناسب با فضای مجازی در صورت تخطی از قوانین مستخرج از قواعد فقهی است. همچنین می‌توان از قواعد مطرح شده، وظایف نظام اسلامی را نظارت و کنترل کارشناسانه بر روی محتوای فضای مجازی و راه‌اندازی شبکه فراملی اسلامی اطلاعات بر شمرد. البته کارویژه اصلی اینکه نظام اسلامی با بالابردن سواد دیجیتال و فضای مجازی و فعالیت‌های تبلیغی در این میان ملت‌های مسلمان جنبه‌های اثباتی این قوانین را به‌صورت جذاب و درعین‌حال مفید تحقق بخشد و قطعاً یکی از عناصر تأثیرگذار در این زمینه مشارکت فعالانه نهادهای مردمی و نخبگانی کشورهای اسلامی با تفویض بخشی از اختیارات حاکمیتی در این فضا خواهد بود. امید است نتایج این دست مقالات جهت گفتمان‌سازی اسلامی، احیا تمدن اسلامی و تحکیم وحدت مسلمانان بکار برده شود و به فرموده رهبر معظم انقلاب «دربرخورد با فضای مجازی باید با تدبیر، با دقّت، با ملاحظه جوانب وارد میدان شد» (بیانات معظم‌له در دیدار با اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۹۷/۱۲/۲۳) و در توصیه‌ای فرمودند: «همین فضای مجازی یک ابزار است؛ یک ابزار بسیار کارآمد برای اینکه شما بتوانید پیامتان را به اقصی‌نقاط دنیا برسانید، به گوش همه برسانید.» (بیانات معظم‌له در دیدار با طلاب حوزه‌های علمیه استان تهران، ۱۳۹۶/۶/۶)ان شاالله.

منابع

۱. نهج‌البلاغه
۲. ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم.(۱۹۹۴). لسان العرب، بیروت، دار صادر.
۳. ابن هشام. (۱۹۷۸). السیره النبویه، ج۳، القاهره، مکتبه الکلیات الازهریه.
۴. الأردبیلی، أحمد بن محمّد.(۱۳۷۹). مجمع الفائده والبرهان،ج۱۰، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۵. اسماعیلی، محسن، نصراللهی، محمدصادق.(۱۳۹۵).«پالایش فضای مجازی»؛ حکم و مسائل آن از دیدگاه فقهی، دوفصلنامه علمی- پژوهشی دین و ارتباطات، سال بیستم و سوم، شماره اول،پیاپی ۹۴.
۶. اصغری، سید محمد.(۱۳۸۸). «عدالت به‌مثابه قاعده فقهی و حقوقی». فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۱.
۷. افتخاری، اصغر. (۱۳۹۲). «تبارشناسی قاعده مصلحت در فقه سیاسی شیعه». فصلنامه سیاست متعالیه، ش۱.
۸. انصاری، مرتضی بن محمد.(۱۳۸۱). کتاب المکاسب، ج۱، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
۹. _____.(۱۴۱۶). فرائدالاصول، ج۱، قم، موسسه‌النشرالاسلامی.
۱۰. تمیمی آمدی، عبد الواحد.(۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، مصحح: درایتی، مصطفی قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

۱۱. التهانوی، محمد علی.(۱۹۹۶). کشاف اصطلاحات الفنون،ج۵، بیروت، مکتبه البنان.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین.(۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن،ج۱، بیروت، دارالعلم.
۱۳. رشاد، علی اکبر، درس خارج فقه مهندسی ژنتیک، جلسه۸ ۹۹/۳/۶.
۱۴. رفیعی، محمد طاهر.(۱۳۹۶).«صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام؛ نقدی بر رویکرد اسلام‌هراسی»، فصلنامه پاسخ ۷، سال دوم، شماره هفتم.
۱۵. الزحیلی، وهبه.(۱۹۹۲). آثار الحرب فی الاسلام، دمشق، دارالفکر.
۱۶. زینوی‌وند علی و کیمیا محمدی.(۱۳۹۳). «قاعده نفی سبیل دراندیشه اسلامی‌وسیاست‌خارجی‌جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۶.
۱۷. جبار گلباغی ماسوله، سیدعلی.(۱۳۷۸). درآمدی بر عرف، قم، دفترتبلیغات‌اسلامی.
۱۸. جباری، محمدرضا؛ ملبوبی، محمدکاظم. (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی سازمان دعوت عباسیان و سازمان وکالت امامیه، تاریخ در آیینه پژوهش، سال هفتم، شماره سوم.
۱۹. جعفری، محمد تقی.(۱۳۷۶) ترجمه و شرح نهج‌البلاغه، ج۱۰، قم، دفتر نشر اسلامی.
۲۰. جوادی‌آملی، عبدالله.(۱۳۹۴). درس‌خارج‌فقه‌نکاح(۱۳۹۴/۱۲/۹)،http://javadi.esra.ir/
۲۱. جوادی‌آملی، عبدالله.(۱۳۸۷). «اصول حاکم بر روابط بین‌الملل نظام اسلامی»، حکومت اسلامی، سال ۱۳، شماره ۴۸.
۲۲. _____ . (۱۳۷۸). ولایت فقیه، قم، اسراء.
۲۳. _____. (۱۳۸۵). تفسیرتسنیم، قم: اسراء.
۲۴. حرعاملی، شیخ محمد بن حسن.(۱۴۰۹). تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: موسسه آل البیت.
۲۵. حرانی، ابن شعبه حسن بن علی. (۱۳۶۳). تحف العقول، قم، جامعه المدرسین.
۲۶. حسینی، محمد.(۱۳۸۵).فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی،ج۲، تهران، سروش.
۲۷. الحسینی‌المراغی، السید میرعبدالفتاح.(۱۴۱۷).العناوین، ج۱، قم، مؤسسه‌النشرالإسلامی.
۲۸. حسین نژاد، سید مجتبی.(۱۳۹۸). «بررسی فقهی بغی در فضای مجازی». فصلنامه پژوهشهای فقه و حقوق اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۵۵.
۲۹. حلی، محمد بن منصور ادریس.(۱۴۱۰). السرائرالحاوی لتحریرالفتاوی، ج۲، قم، دفترانتشارات‌اسلامی.
۳۰. حلی، محمد بن حسن بن یوسف.(۱۴۱۵). مختلف‌الشّیعه، قم، مؤسسه‌النشرالإسلامی.
۳۱. حلّی، نجم الدین، جعفر بن حسن.(۱۴۰۸). شرایع الاسلام، ج۲، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۳۲. سیوری، مقداد بن‌عبدالله.(۱۴۰۴). التنقیح الرائع، ج۱، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی.
۳۳. شاه قاسمی، احسان.(۱۳۸۵). «مروری بر زمینه‌های تأثیر فضای مجازی بر نظریه‌های ارتباطات». مجله جهانی رسانه، شماره ۲.
۳۴. شعرانی، ابو الحسن.(۱۴۱۹).تبصره المتعلمین،ج۲، تهران، منشورات‌إسلامیه.
۳۵. شهیدی، مهدی.(۱۳۸۳). حقوق مدنی اصول قراردادها و تعهدات، تهران، انتشارات مجد.
۳۶. شهیداول، محمد بن مکی.(۱۴۱۴). غایه المراد، ج۱، قم، دفترتبلیغات‌اسلامی.
۳۷. شیخ‌الاسلامی محمدعلی.(۱۳۹۴). «واکاوی معنا و مفهوم اعانه بر اثم در آرای فقهای امامیه». مطالعات اسلامی فقه و اصول، سال چهل وهفتم، شماره پیاپی ۱۰۱ .
۳۸. صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه، ج۴، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۹. صرامی، سیف اللّه.(۱۳۷۳). «احکام حکومتی و مصلحت». مجله راهبرد، ش۴.
۴۰. صرافی، سیف الله. (۱۳۸۳).«درآمدی بر جایگاه مصلحت در فقه». قبسات، شماره ۳۲ .
۴۱. صفایی، سیدحسین.(۱۳۸۴). قواعد عمومی قراردادها، ج۲،تهران، نشر میزان.
۴۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین.(۱۳۷۴).ترجمه‌تفسیرالمیزان فی تفسیر القرآن،ج۱۶،مترجم: موسوی همدانی، قم، دفترتبلیغات‌اسلامی.
۴۳. طباطبایی، سیدعلی.(۱۴۱۹). ریاض‌المسائل، قم، مؤسسه‌النشرالإسلامی.
۴۴. طباطبایی، سیدعلیرضا؛ لیالی، محمدعلی.(۱۳۹۷). «قواعد فقهی پالایش فضای مجازی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران». حکومت اسلامی، سال بیست وسوم، شماره اول.
۴۵. طریحی، فخرالدین بن محمد.(۱۳۷۵). مجمع‌البحرین،ج۳، تهران، مکتبه‌المرتضویه.
۴۶. طوسی، محمدبن حسن.(۱۳۶۳). الاستبصار، ج۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۴۷. _____. (۱۳۷۵). الاقتصاد، تهران، کتابخانه جامع چهل ستون.
۴۸. عاملی، زین الدین.(۱۴۲۳). مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، قم، موسسه المعارف الاسلامیه.
۴۹. عراقی، آقاضیاء الدین.(۱۴۱۴). شرح تبصره المتعلمین، ج۶، قم، جامعه مدرسین.
۵۰. عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۹۲). قواعد فقه، ج۳، تهران، سمت.
۵۱. غروی نائینی، میرزا محمدحسین.(۱۴۱۳). المکاسب والبیع، ج۱، قم، دفترانتشارات‌اسلامی.
۵۲. _____. (۱۴۲۴). تنبیه الأمه و تنزیه المله، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی .
۵۳. فاضل هرندی،محی الدین. (۱۳۸۳). «تقیه سیاسی». علوم سیاسی، شماره ۲۵.
۵۴. فیومی، احمد. (بی‌تا)، المصباح المنیر، ج۱، قم، منشورات‌دارالرضی.
۵۵. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب.(۱۴۱۵). القاموس المحیط، ج۲، بیروت، دارالکتب‌العلمیه .
۵۶. فراهیدی، خلیل بن احمد.(۱۴۱۰). کتاب العین، ج۳و۲، قم، هجرت.
۵۷. قرشی، سید علی اکبر.(۱۳۷۱). قاموس قرآن، ج۳، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۵۸. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی، قم، دارالکتب الاسلامی.
۵۹. _____.(۱۳۸۱). بهشت کافی/ترجمه روضه کافی، مترجم: آژیر، حمید رضا، قم، سرور.
۶۰. کهوند، محمد.(۱۳۹۵). شبکه عنکبوتی، قم، انتشارات ذکری.
۶۱. مازندرانی، محمد صالح.(۱۳۸۲). شرح الکافی،تهران، مکتبه الاسلامیه.
۶۲. متقی هندی.(۱۹۷۹). کنزالعمال، ج۴، بیروت، مؤسسه الرساله.
۶۳. محامد، علی. (۱۳۸۵). «بررسی قاعده عدل و انصاف و آثار آن». پژوهش‌های فلسفی-کلامی، دوره ۸، شماره۲، دانشگاه قم.
۶۴. محقق داماد، سید مصطفی.(۱۳۹۰). قواعد فقه، ج۴،تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
۶۵. محمود مصطفی، نادیه.(۱۹۹۶). العلاقات الدولیه فی الاسلام وقت الحرب، المعهد العالمی للفکر الاسلامی.
۶۶. مجلسی، محمدباقر.(۱۴۰۳). بحارالانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث.
۶۷. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۴). پیرامون جمهوری اسلامی، تهران، صدرا.
۶۸. مظفر، محمدرضا.(۱۳۸۱). أصول الفقه، ج۱، قم، دارالکتب‌الاسلامی.
۶۹. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۴). قواعد مهم فقهی، ترجمه محمد جواد نوری، قم، انتشارات امام‌علی‌بن‌ابی‌طالب.
۷۰. مکارم شیرازی، ناصر.(۱۳۷۴). تفسیر نمونه، قم. داراکتب الاسلامیه.
۷۱. مکارم شیرازی، ناصر.(۱۴۲۵). تعزیر و گستره آن، قم، مؤسسه امیرالمؤمنین.
۷۲. موحدی‌فاضل‌لنکرانی، محمد.(1383).القواعد الفقهیه،ج۱، قم، مرکز فقه الأئمه‌الأطهار.
۷۳. الموسوی الخمینی، سیدروح‌الله.(۱۴۱۵). کتاب البیع، قم، موسسه‌نشراسلامی.
۷۴. _____.(۱۳۷۹). صحیفه نور، تهران، موسسه‌تنظیم ونشرآثارامام خمینی.
۷۵. _____. (بی‌تا)، ولایت فقیه، قم، آزادی.
۷۶. _____.(۱۳۸۵). تحریر الوسیله (ترجمه فارسی)،ج۱،تهران، موسسه‌تنظیم‌ونشرآثار امام‌خمینی.
۷۷. موسوی بجنوردی، سیدحسن.(۱۴۱۹). القواعد الفقهیه، تحقیق مهدی مهریزی و محمدحسن درایتی، ج۱و۵، قم، الهادی.
۷۸. موسوی خویی، سیدابوالقاسم.(۱۴۱۸). موسوعه الإمام الخوئی، ج۲،قم، موسسه إحیاءآثارالإمام‌الخوئی.
۷۹. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی.(۱۴۱۷). عوائد الایام فی بیان قواعد الأحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۸۰. نجفی، محمدحسن.(۱۴۰۴).جواهرالکلام، بیروت، داراحیاءالتراث العربی.
۸۱. نوری، حسین. (۱۴۰۸).مستدرک الوسائل،ج۹، قم،موسسه‌آل‌البیت.
۸۲. واعظی، احمد.(۱۳۸۰).حکومت اسلامی، قم، سامیر.
۸۳. ورعی، سید جواد.(۱۳۹۰). «قاعده «مصلحت» در روابط خارجی دولت اسلامی»، حضور، ش۷۶.
۸۴. هاشمی‌خویی، میرزا حبیب‌الله. (۱۴۰۰).منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، ج۱۵، چهارم، تهران: مکتبه‌الاسلامیه.
۸۵. https://khamenei.ir/